

۲۵ شهریور روز باز ایستادن همه چرخها و تسخیر خیابانها است

صفحه ۷



در یکسالگی انقلاب زن زندگی آزادی

"ژینا" زندگی بخش یک انقلاب، یاشار سهندی، صفحه ۲

"رئسی، قالیاف، این آخرین پیامه، جنبش بازنشسته آماده قیامه" مهران محبی، صفحه ۷

سطح مبارزه را گسترده تر و عمیقتر کنیم- پویان پیروز صفحه ۱۴

بیانیه هشت تشکل از کارگران و نهادهای اجتماعی به مناسبت یک سالگی انقلاب و ...

دوباره به خیابان می آییم، فقط کف خیابون بدست میاد حقمون، صفحه ۴

۲۵ شهریور روز تجمع بر مزار ژینا، روز باز ایستادن همه چرخها و تسخیر خیابانها خواهد بود

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری، صفحه ۸

در حمایت از فراخوان "شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی" صفحه ۹

آپارتاید جنسیتی مصداق بارز جنایت علیه بشریت است صفحه ۱۰

۱۹ شهریور: اعتراضات بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد، صفحه ۱۷

بازداشت به جرم مطالبه کار

مهران محبی، صفحه ۱۱

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه فولاد پارس هفته تپه و پرستاران در اصفهان صفحه ۹

۲۵ شهریور، ۱۶ سپتامبر، روز مهسا (ژینا): روز طنین زن زندگی آزادی در خیابانهای جهان!

تشکیلات خارج از کشور حزب کمونیست کارگری ایران، صفحه ۱۸

شش کارگر قربانی انفجار در معدن رزمجاه طزره شدند. صفحه ۱۳

قاتلان جانباختگان معدن طزره را می شناسیم شهلا دانشفر، صفحه ۱۳

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۷۹۶

۲۰ شهریور ۱۴۰۲

۱۱ سپتامبر ۲۰۲۳



دوشنبه ها منتشر میشود

بیانیه هشت تشکل به
مناسبت سالروز انقلاب و قتل

مهسا امینی

شهلا دانشفر، صفحه ۳

جمهوری اسلامی از همه

چیز میترسد صفحه ۵

روز بی حجابی همگانی

در سراسر ایران! صفحه ۸

کارگران در هفته ای که

گذشت

سهیلا رضوانی، صفحه ۱۶

بیانیه دادخواهان سیستان

و بلوچستان، صفحه ۱۵

تجمعات اعتراضی با شکوه

معلمان بازنشسته صفحه ۱۵

پیام یک جوان به مناسبت

سالروز انقلاب

سیما امینی، صفحه ۱۸

یادگار سهندی

در یکسالگی انقلاب زن زندگی آزادی

"ژینا" زندگی بخش یک انقلاب

عصر جمعه ۲۵ شهریور سال ۱۴۰۱، به مانند همه عصرهای جمعه نبود. خبری در ایران پیچید و ایران و جهان را دگرگون کرد. "مهسا امینی توسط گشت ارشاد به قتل رسید." سه روز بود که همه با التهاب، خیر دست و پنجه نرم کردن مهسا با مرگ را دنبال میکردند. همگان میدانستند امید زنده ماندن مهسا تقریباً هیچ است اما یک میلی بود که "این دختر زنده بماند." تحمل یک مرگ دیگر، قتل دیگر بسیار سخت بود. با انتشار خبر، خشم فرو خورده ۴۴ ساله مردم از ستمکاری اسلامی، بار دیگر طغیان کرد و ایران و دنیا را تکان داد.

فردای آن روز نوشته ای بر سر مزار مهسا پدیدار شد: "ژینا جان تو نمی میری، نامت یک رمز می شود." و نام زندگی بخش مهسا به رمز انقلاب تبدیل شد. انقلابی که در همان مراسم تدفین وی اسم خود را یافت، "زن زندگی آزادی". بدین ترتیب ژینا زندگی بخش یک انقلاب شد.

شعار زن زندگی آزادی به سرعت برق و باد در جهان پیچید. شعاری که گویایی همه آن چیزی است که مردم در پی اش بودند. زن در ایران تحت حاکمیت رژیم اسلامی سمبل بی حقوقی و تبعیض و ستم بوده است. نقطه شروع حمله ضد انقلاب اسلامی به یک انقلاب در چهل و چهار سال پیش حمله به زنان بود و مبارزه علیه این ضد انقلاب از همان روزی شروع شد که زنان به مقابله برخاستند برای آزادی و برابری. و آزادی وقتی معنی میدهد که زندگی بدون هر گونه تبعیض باشد و برابری ملاک همه چیز گردد. انقلاب زن زندگی آزادی نوید بخش رسیدن به آزادی و برابری است.

طی یکسال گذشته باز مردم همدیگر را یافتند و جمهوری اسلامی بار دیگر ثابت کرد چه ظرفیت عظیمی برای خلق فاجعه دارد. اما به همین وسعت بر عمق نفرت یک جامعه از حکومت اسلامی افزوده است. نفرت بر حقی که روزی بطور تمام و کمال سر باز خواهد کرد، آن روز ممکن است همین فردا باشد و در آنی هیچ نشانه ای از این حکومت مصیبت آفرین بر جای نخواهد گذاشت. آنوقت شورش باستیل انقلاب فرانسه در مقابل وقایعی که با این وضعیت انتظارش می رود حادثه ای کوچک در تاریخ خواهد بود.

جمهوری اسلامی دیگر حکومت نیست. هیچ دغدغه ای از مردم برایش دغدغه نیست. بلکه هر روز مصیبتی بدتر از روز قبل برای جامعه فراهم می آورد. می گویند "خود براندازی میکند!" یکی در رابطه با نزدیک شدن به سالگرد مهسا، "روز مهسا" نوشته: "در مجموع به نظر می رسد این دستگاه حکمرانی است که التهاب بیشتری ایجاد می کند." به روایت ایشان گویا همه منتظرند ببینند چه پیش می آید! گویا یورش همه جانبه این روزهای جمهوری اسلامی به دانشگاهها و خانواده دادخواهان و زندانیان سیاسی و زنان و... را نمیتوانست انجام ندهد! اما بیانیه های گوناگون و فراخوانها برای بزرگداشت سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی و دعوت برای تجمع و اعتراض و به تعطیل کشاندن کل جامعه توضیح دهنده این است که چرا جمهوری اسلامی افسار پاره کرده است. جمهوری اسلامی از سویی با بازداشتهای گسترده و از سویی دیگر با انتصاب لمپن ترین حامیانش در جایی مانند دانشگاه به عنوان استاد، هدف تحقیر کل جامعه را دارد، و از سوی دیگر نزدیک به یک هفته مانده به ۲۵ شهریور مامورانش را بر سر چهار راهها و حتی در جاهایی که سال گذشته مرکز تجمعات نبود، مستقر کرده است. جمهوری اسلامی میدانند نمی تواند برترساند، میدانند ترس جامعه ریخته است. اما میخواهد آماده باشد؛ جمهوری اسلامی میدانند خطر سقوط از رگ گردن به او نزدیکتر است. نفس های انقلاب را پس گردن خود حس میکنند.

در یک سال گذشته نبردی وسیع بر علیه اصلی ترین نماد جمهوری اسلامی یعنی

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!



ما مردم با عزم و جسارت به کف خیابان آمده ایم تا کار را تمام کنیم. انقلابمان را تا به آخر ادامه خواهیم داد. تا رسیدن به جامعه ای که در آن نیکایا و ساریناها و جوادهایمان دیگر قربانی نشوند و تک تک دختران و پسران و زنان و مردان بدون دغدغه زندان و اعدام و محرومیت و فقر، در امنیت و رفاه و آرامش بگویند و بخندند و برقصند و شادی و زندگی کنند.

دیوهای متحجر از گوربرخاسته را به گورهای تاریخ بازخواهیم گرداند. دستگاه مذهب و مافیای سرمایه داری را از صحنه جامعه برخواهیم چید. ما جوانان و باننشستگان و کارگران و معلمان و زنان با تمام وجود آمده ایم و تا به آخر راهمان را ادامه خواهیم داد. تا برچیدن کامل مافیای چپاولگر سرمایه داری و پایان دادن به یکه تازی دستگاه خونخوار و منحط مذهب و رسیدن به آرزوهای انسانی ای که همه ما مردم میلیونی با تمام وجود دنبال میکنیم، به پیش خواهیم رفت. راه دیگری مقابل ما نیست. کوتاه نخواهیم آمد. شعار زیبای «زن زندگی آزادی» را بر پرچم جامعه نوین و انسانی مان نقش خواهیم کرد. زن زندگی آزادی!

کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری - شهریور ۱۴۰۲

حجاب اسلامی در جریان بوده است. حجاب اسلامی به عنوان سمبل نفرت و تحقیر این حکومت از انسانها، به شدت زیر ضرب قرار گرفته است. چهره این روزهای خیابانهای ایران، وقتی نگاه میکنید که چگونه باد موهای زنان را به مثابه یک پرچم به جنبش وامیدارد، باورت میشود که جمهوری اسلامی تمام شده است. هر چند هنوز مرگ می آفریند. جمهوری اسلامی خود التهاب است برای جامعه، چهار دهه است با بحران آفرینی و زندان، شکنجه و اعدام و به هر کسی یا چیزی که نمادی از آزادیخواهی و شرافت انسانی بوده حمله برده و بدینگونه امسالش را به سال بعد رسانده است. اما اکنون در تب مرگ دارد میلرزد. در یک سال گذشته مرگ آفرینی حکومت نه جامعه را مرعوب کرد و نه قوت قلبی برای حکومت اسلامی فراهم آورده است. اما جامعه را مصمم تر کرده است که باید اینبار با انقلاب کار را تمام کرد. هر قتل در خیابان و زندان بر اینکه انقلاب علیه این شرایط محق ترین انتخاب جامعه است مهر تایید میزند.

در یک سال گذشته اتفاق مهم دیگری افتاده است. اپوزیسیون راست تمام تلاشهایش برای ایفای نقش ضد انقلاب در دوره جدید انقلاب به شکست انجامیده است. توان انقلاب جاری به حدی است که حتی فرصت "خدعه" برای ایشان نگذاشته است. برای همین بی پرده به نیروهای شاغل در تمام دم و دستگاههای امنیتی و نظامی و انتظامی جمهوری اسلامی به صراحت گفتند: ما به شما برای سرکوب نیاز داریم! و بیشترین توجه ایشان به جلب نظر نیروهای سرکوبگر است و سخت در تلاشند به دول غرب بفهمانند که قادر دست گرفتن فرماندهی نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی هستند. چون میدانند با چه جنبش عظیمی از برابری طلبی و آزادیخواهی روبرو هستند. این نیروها فکر میکنند رهایی زن را به "پوشش اختیاری" تقلیل دادن جواب جنبشی است که علیه کل تبعیض و نابرابری است. این نیروها در خیال خود می اندیشند، کارگران با وعده اینکه دستمزدها به عرضه و تقاضا واگذار میشود و سعی در اجرای توصیه های نهادهای بین المللی خواهند داشت ساکت میشوند. کارگرانی که سالهاست در کف خیابان همه معیشت و منزلت را فریاد میزنند. ایشان توصیه میکنند به هر حال بخاطر "اخلاقیات" به آخوند نیاز است! تنها مذهب در حکومت نباشد، آنهم فقط سمبل مشابه انسان آن یعنی آخوند، کافی است: "بهر حال یکی باید باشد در گوشمان در هنگام تولد اذان بگوید و موقع مرگ هم در ورودی قبر یکی "تلقین" بگوید و ازدواج که باید حتما شرعی باشد!" و همه اینها در مقابل جنبشی ضد

شهلا دانشفر

بیانیه هشت تشکل به مناسبت سالروز انقلاب و قتل مهسا امینی



جهانی علیه همه تبعیضات و نابرابریها تبدیل شد و حمایت های بسیار جهانی را همراه داشت.

امضا کنندگان این بیانیه با تاکید بر تداوم انقلاب و عزم خود برای تبدیل سالروز قتل حکومتی مهسا "ژینا" امینی در ۲۵ شهریور به روز تعطیل عمومی هر ساله، از همگان میخواهند که در ۲۵ شهریور سالروز انقلاب و قتل مهسا "ژینا" امینی با حضور گسترده و وسیع در خیابانها، تجمع بر مزار مهسا "ژینا" امینی این سمبل انقلاب و با اعتصابات خود، "شروع دوباره ای" انقلاب را رقم بزنند.

یک تاکید مهم این بیانیه تبدیل ۲۵ شهریور، سالروز انقلاب زن زندگی آزادی با قدرت مبارزه متحدانه به روز تعطیل عمومی هر ساله خود و در فردا روز است. این بیانیه همچنین ضمن تاکید بر توقف اعدامها و لغو مجازات اعدام، آزادی فوری همه بازداشت شدگان انقلاب و زندانیان سیاسی، مردم را به اتحاد حول منشور خواسته های حداقلی بیست تشکل در انقلاب "زن، زندگی، آزادی" فرا میخواند.

منشور ۱۲ ماده ای خواسته های حداقلی که بدرست منشور "زن زندگی آزادی" نام گرفت و به امضای بیست تشکل از کارگران و نهادهای اجتماعی منتشر شد در واقع مانیفست و پلاتفرم مبارزاتی انقلاب است. پلاتفرمی جامع که خواسته های همه بخش های مردم را پوشش میدهد و بر پایان دادن به صد سال استعمار و بردگی و ساختن جامعه ای انسانی تاکید دارد. میخواهد که انقلاب نقطه پایان باشد بر حاکمیت از بالای سر مردم و بر شوراها و مردمی به عنوان ابزار اعمال اراده خود مردم تاکید دارد. بلند شدن دوباره پرچم این منشور در بیانیه هشت تشکل از کارگران و دانشجویان و فعالین دفاع از حقوق زن و فراخواندن مردم از سوی آنان به اتحاد حول این منشور یک نقطه درخشان این بیانیه است. بیانیه هشت تشکل بار دیگر تعین یافتگی و عمق انقلاب زن زندگی آزادی و سازمانیافتگی آنرا به نمایش میگذارد. از بیانیه هشت تشکل به مناسبت سالگرد انقلاب و سالروز قتل مهسا امینی باید وسیعاً حمایت کرد.

روز هجده شهریور هشت تشکل به اسامی شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث)، ندای زنان ایران، انجمن برق و فلز کرمانشاه، نهاد دادخواهان، کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری، سندیکای نقاشان البرز، صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد، بیانیه ای به مناسبت سالروز انقلاب زن زندگی آزادی و قتل مهسا امینی منشر کردند. این بیانیه تحت عنوان "دوباره به خیابان می آییم، فقط کف خیابان، بدست میاد حقمون" فراخوانی است به همه مردم برای تبدیل ۲۵ شهریور به یک روز اعتراض سراسری و دادخواهی است.

این بیانیه صدای اعتراض بازنشستگانی است که زیر فشار معیشتی جانشان به لب رسیده و با شعار "رئسی، قالیباف، این آخرین پیامه، جنبش بازنشسته آماده قیامه" اولتیماتومشان را دادند. این بیانیه صدای اعتراض پرستارانی است که در آستانه سالگرد انقلاب دور فشرده تری از اعتراض را در پیش گرفته و با شعار "نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم" دارند به خیابان می آیند. این بیانیه صدای اعتراض زندانیان سیاسی ایست که در زندان هم صدای اعتراضشان بلند است و یک نمونه اش سپیده قلیان زندانی سیاسی شجاعی است که در دادگاه به روی بازجو خیرنگار صدا و سیمای جمهوری اسلامی که شاکی پرونده اش بود تف کرد و از زندان نیز در پیامش به لوموند مینویسد: "صدای من از پشت دیوارهایی می آید که در عمر پنجاه ساله اش شاهد شکنجه و خفقان بوده اما در عین حال به نمادی برای آزادی خواهی تبدیل شده است." این بیانیه صدای خانواده های دادخواهی است که علیرغم همه سرکوبگری های حکومت ایستاده و با شعار "قسم به خون یاران ایستاده ایم تا پایان"، به گرامیداشت سالگرد انقلاب فراخوان داده اند.

بیانیه هشت تشکل از کارگران، دادخواهان و مدافعین حقوق زن انقلاب "زن، زندگی، آزادی" را برآمد بیش از چهل سال مبارزه مردم علیه فقر، تنگدستی و انواع تبعیضات، به ویژه تبعیض جنسیتی و تمام سنن و قوانین ارتجاعی ضد زن میخواند. انقلابی که با قتل مهسا امینی فوران کرد و به واقعه ای تحول ساز در تاریخ مبارزات

در یکسالگی انقلاب ...

از صفحه ۲

از این جا و آنجا و از دهان فلان استاد دانشگاه و تحلیلگر در مورد عاملیت فقر و کارگران در تحولات اجتماعی بیشتر میشنوم، چون بر خلاف انتظار ایشان استیصال به اعتراض اجتماعی تبدیل شده است.

دستاوردهای انقلاب زن زندگی آزادی چنان وسیع و عمیق است که حتی اگر در روز ۲۵ شهریور ۱۴۰۲ حکومت موفق شود مانع تجمعات سالگرد مهسا امینی شود، یا آنرا به شدت سرکوب کند چیزی از هیبت انقلاب جاری کم نمی کند. به پشتوانه چهار دهه مبارزه مستقیم با رژیم اسلامی و شش دهه مبارزه با حکومت سلطنتی که خود را سایه همان خدایی میدانست که خدای قهار جمهوری اسلامی بوده، ما بارها تاکید کردیم در ایران رنسانس عظیمی در جریان است. رنسانی که بار دیگر انسان مرکز توجه همه تحولات است. اما این بار نه فقط حقوق فردی، بلکه حقوق انسانی، به این معنی که: "ما انسانیم یکبار به دنیا می آییم و حق داریم که فرصت داشته باشیم از زندگی مان لذت ببریم" مرکز توجه کل جامعه قرار گرفته است و هیچ نیرویی توان اینکه سد راه آن شود را ندارد. انقلاب زن زندگی آزادی نیروی این رنسانس را آزاد کرده است و می رود که چهره نه تنها ایران بلکه جهان را دگرگون کند. در یک سال گذشته جامعه در اوج نبرد سهمگین چهل و چهار ساله با جمهوری اسلامی بسر برده است و نشان داده به کم اصلاً راضی نخواهد شد. این جامعه به دنبال یک عالمه برابری یک عالمه آزادی یک عالمه خوشبختی است. *

مذهبی میگذارند که چهل و چهار است کاملاً صیقل یافته و میخواهد دست مذهب را از کلیه شئون اجتماعی کوتاه کند، و در حوزه های علمیه را گل بگیرد. ایشان فکر میکنند یک "پاسپورت معتبر" برای منزلت "انسان ایرانی" کافی است! فکر میکنند تنها باز شدن کاباره یعنی شادی و موسیقی، و همین بس است! موسیقی اکنون یک جز مهم از زندگی مردم است و این جامعه میخواهد موسیقی در همه ابعادش در اختیار همه جامعه باشد. با وجود همه تلاشهای جمهوری اسلامی برای سرکوب هنر، اما هنر و فرهنگ در همه ابعادش چنان شخم عمیقی خورده که اگر کسی فکر میکند با احیای "جشن هنر شیراز" همه چیز حل شده است سخت در اشتباه است. و شادی وقتی دم دست همگان خواهد بود که دغدغه مردم از تامین معیشت به پایان رسد. در همه زمینه ها این جامعه بر خلاف آنچه که تحلیلگران راست سعی در اثباتش دارند پسرقت نکرده بلکه تنها جمهوری اسلامی مانع نمایش پیشرفت آن شده است. انقلاب زن زندگی آزادی نمایانگر این پیشرفت چه در شکل و چه در محتواست. تنها موردی که جمهوری اسلامی موفق عمل کرده گسترش هولناک فقر و فلاکت و گرسنگی است، و با وجود هزینه های جبران ناپذیری که این امر داشته است، اما همین امر هم به نقطه ضعف جمهوری اسلامی تبدیل شده است. این امر موجب استیصال اجتماعی نشده است بلکه خطر "شورش گرسنگان" را هر روز بیشتر کرده است. مفسرین راست بسیار مایلند که گرسنگان را در حاشیه جامعه نشان بدهند، اما



بیانیه هشت تشکل از کارگران و نهادهای اجتماعی به مناسبت یک سالگی انقلاب "زن، زندگی، آزادی" و سالروز قتل مهسا امینی

دوباره به خیابان می آییم، فقط کف خیابون بدست میاد حقمون

امروز ۱۸ شهریور هشت تشکل از کارگران و نهادهای اجتماعی طی بیانیه ای به مناسبت یک سالگی انقلاب "زن، زندگی، آزادی" و سالروز قتل مهسا امینی (ژینا)، همگان را به اعتراض سراسری در این روز فراخواندند. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث)، ندای زنان ایران، انجمن برق و فلز کرمانشاه، نهاد دادخواهان، کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری، سندیکای نقاشان البرز و صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد امضا کنندگان این بیانیه هستند. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "ما تشکل های امضاء کننده این بیانیه اعلام می داریم که روز ۲۵ شهریور، روز به قتل رسیدن مهسا امینی، تاریخ شروع انقلاب "زن، زندگی، آزادی" است. ۲۵ شهریور یاد مهسا امینی نماد انقلاب "زن، زندگی، آزادی" و یاد همه جانباختگان راه آزادی طی ۴۴ سال گذشته را گرامی بداریم. وسیعا به خیابان بیاییم و این روز را به روز اعتراض سراسری خود تبدیل کنیم. بر مزار مهسا امینی جمع شویم و یاد او را گرامی بداریم. با گرامیداشت یاد تک تک جانباختگان و با بلند کردن فریاد دادخواهی، شعار "زن، زندگی، آزادی" را هر چه رساتر سر دهیم و با اعلام

اعتصاباتمان شروع دوباره ای را رقم بزنیم."

امضا کنندگان این بیانیه ضمن تاکید بر توقف اعدامها و لغو مجازات اعدام و آزادی همه بازداشت شدگان انقلاب و زندانیان سیاسی مردم را به متحد شدن حول منشور خواستهای حداقلی بیست تشکل بعنوان منشور اتحاد مردمی در انقلاب زن زندگی آزادی فراخوانده اند. بیانیه های تشکلهای مبارزاتی کارگران و بخش های مختلف اجتماعی، نشانی از تعیین یافتگی انقلاب است. حزب کمونیست کارگری همصدا با این تشکلهای همه مردم را به اتحاد حول منشور خواستهای حداقلی بیست تشکل و برپایی تجمعات و اعتصاب و اعتراض در اولین سالگرد انقلاب، فرا میخواند. متن کامل بیانیه هشت تشکل به مناسبت سالگرد انقلاب و قتل مهسا امینی ضمیمه است.

حزب کمونیست کارگری ایران-۱۸ شهریور ۱۴۰۲، ۹ سپتامبر ۱۴۰۲

ضمیمه: بیانیه تشکلهای به مناسبت یک سالگی انقلاب "زن، زندگی، آزادی" و سالروز قتل مهسا امینی

دوباره به خیابان می آییم، فقط کف خیابون بدست میاد حقمون

روز ۲۵ شهریور ۱۴۰۱ مهسا امینی توسط مأموران گشت ارشاد نیروی انتظامی به قتل رسید و قتل این زن جوان سرآغاز انقلابی عظیم و انسانی علیه هر گونه تبعیض و نابرابری جنسی، جنسیتی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، قومی و مذهبی گردید. انقلاب "زن، زندگی، آزادی" ایران به خاطر ویژگیهای ذکر شده خیلی سریع مورد حمایت بشریت آزادیخواه و مترقی در سراسر جهان قرار گرفت تا حدی که دولتهای مماشاتگر غربی مجبور به تغییر لحن شدند و انقلاب مردم ایران را به رسمیت شناختند.

انقلاب "زن، زندگی، آزادی" برآمد بیش از چهل سال مبارزات مردم ایران علیه فقر، تنگدستی و انواع تبعیضات، به ویژه تبعیض جنسی، جنسیتی و تمام سنن و قوانین ارتجاعی ضد زن است که در این راه دهها هزار انسان معترض و آزادیخواه در زندانها و در دیگر میدانهای مبارزاتی توسط حکومت به قتل رسیده اند.

انقلاب "زن، زندگی، آزادی" یک واقعه و حرکت تحول ساز در تاریخ مبارزات جهانی علیه همه تبعیضات و نابرابریها است و به همین خاطر مورد حمایت هر انسانی که به هر گوشه ای از تبعیضات موجود معترض است، قرار گرفته است.

ما تشکل های امضاء کننده این بیانیه اعلام می داریم که روز ۲۵ شهریور، روز به قتل رسیدن مهسا امینی، تاریخ شروع انقلاب "زن، زندگی، آزادی" است.

۲۵ شهریور یاد مهسا امینی نماد انقلاب "زن، زندگی، آزادی" و یاد همه

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید

جانباختگان راه آزادی طی ۴۴ سال گذشته را گرامی بداریم.

وسیعا به خیابان بیاییم و این روز را به روز اعتراض سراسری خود تبدیل کنیم.

بر مزار مهسا امینی جمع شویم و یاد او را گرامی بداریم.

با گرامیداشت یاد تک تک جانباختگان و با بلند کردن فریاد دادخواهی، شعار "زن، زندگی، آزادی" را هر چه رساتر سر دهیم و با اعلام اعتصاباتمان شروع دوباره ای را رقم بزنیم.

ما همچنین ضمن تاکید بر توقف اعدامها و لغو مجازات اعدام، آزادی فوری همه بازداشت شدگان انقلاب و زندانیان سیاسی، منشور خواستهای حداقلی بیست تشکل را همچنان منشور اتحاد مردمی در انقلاب "زن، زندگی، آزادی" میدانیم. به دور این منشور متحد شویم.

در تاریخ مبارزات جهانی علیه مواردی از تبعیضات و نابرابریها، نقاط عطف ها، برآمدها و وقایع تعیین کننده ای مانند فراخوان به اعتصاب کارگران آمریکا در روز اول می ۱۸۸۶ با خواست ۸ ساعت کار در روز و اعتصاب ۸ مارس ۱۸۵۷ زنان کارگر نساجی نیویورک علیه تبعیض در پرداخت دستمزد میان زنان و مردان رخ داده اند و این روزها در تقویم جهانی به عنوان روز جهانی کارگر و روز جهانی زن تعطیل عمومی اعلام و به ثبت رسیده اند. با قدرت مبارزه مان ۲۵ شهریور سالروز انقلاب زن زندگی آزادی را به روز تعطیل عمومی هر ساله خود و در فردا روز تبدیل خواهیم کرد.

امضاء کنندگان: شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث)، ندای زنان ایران، انجمن برق و فلز کرمانشاه، نهاد دادخواهان، کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری، سندیکای نقاشان البرز، صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد

شهریور ۱۴۰۲

(برگرفته از مدیای اجتماعی)



زن، زندگی، آزادی: منشور مطالبات حداقلی تشکل‌های مستقل صنفی و مدنی ایران

مردم شریف و آزاده ایران!

در چهل و چهارمین سالروز انقلاب پنجاه و هفت، شیرازه اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کشور به چنان گردابی از بحران و از هم گسیختگی فرو رفته است که هیچ چشم‌انداز روشن و قابل حصولی را نمی‌توان برای پایان دادن به آن در چهارچوب روبنای سیاسی موجود متصور بود. هم‌اکنون رو است که مردم ستمدیده ایران - زنان و جوانان آزادیخواه و برابری طلب - با از جان گذشتگی کم نظیری خیابان‌های شهرها را در سراسر کشور به مرکز مصافی تاریخی و تعیین کننده برای خاتمه دادن به شرایط ضد انسانی موجود تبدیل کرده اند و از پنج ماه پیش - به رغم سرکوب خونین حکومت - لحظه ای آرام نگرفته‌اند.

پرچم اعتراضات بنیادینی که امروز به‌دست زنان، دانشجویان، دانش آموزان، معلمان، کارگران و دادخواهان و هنرمندان، کوئیرها، نویسندگان و عموم مردم ستمدیده ایران در جای جای کشور از کردستان تا سیستان و بلوچستان برافراشته شده و کم سابقه‌ترین حمایت‌های بین‌المللی را به خود جلب کرده، اعتراضی است علیه زن ستیزی و تبعیض جنسیتی، ناامنی پایان ناپذیر اقتصادی، بردگی نیروی کار، فقر و فلاکت و ستم طبقاتی، ستم ملی و مذهبی، و انقلابی است علیه هر شکلی از استبداد مذهبی و غیر مذهبی که در طول بیش از یک قرن گذشته، بر ما - عموم مردم ایران - تحمیل شده است.

این اعتراضات زیر و رو کننده، برآمده از متن جنبش‌های بزرگ و مدرن اجتماعی و خیزش نسل شکست ناپذیری است که مصمم‌اند بر تاریخ یکصد سال عقب‌ماندگی و در حاشیه ماندن آرمان بر پای جامعه ای مدرن و مرفه و آزاد در ایران، نقطه پایانی بگذارند.

پس از دو انقلاب بزرگ در تاریخ معاصر ایران، اینک جنبش‌های بزرگ اجتماعی پیشرو - جنبش کارگری، جنبش معلمان و بازنشستگان، جنبش برابری خواهانه زنان و دانشجویان و جوانان و جنبش علیه اعدام و... در ابعادی توده‌ای و از پایین در موقعیت تاثیر گذاری تاریخی و تعیین کننده‌ای در شکل‌دهی به ساختار سیاسی و اقتصادی و اجتماعی کشور قرار گرفته‌اند.

از همین رو، این جنبش بر آن است تا برای همیشه به شکل‌گیری هرگونه قدرت از بالا پایان دهد و سر آغاز انقلابی اجتماعی و مدرن و انسانی برای رهائی مردم از همه اشکال ستم و تبعیض و استثمار و استبداد و دیکتاتوری باشد.

ما تشکلهای و نهادهای صنفی و مدنی امضا کننده این منشور با تمرکز بر اتحاد و به هم پیوستگی جنبش‌های اجتماعی و مطالباتی و تمرکز بر مبارزه برای پایان دادن به وضعیت ضد انسانی و ویرانگر موجود، تحقق خواسته‌های حداقلی زیر را به مثابه اولین فرامین و نتیجه‌ی اعتراضات بنیادین مردم ایران، یگانه راه پی افکنی ساختمان جامعه‌ای نوین و مدرن و انسانی در کشور می‌دانیم و از همه انسان‌های شریف که دل درگرو آزادی و برابری و رهائی دارند می‌خواهیم از کارخانه تا دانشگاه و مدارس و

جمهوری اسلامی از همه چیز می‌ترسد

در هفته‌های گذشته و با نزدیک‌تر شدن به سالروز انقلاب، جمهوری اسلامی دامنه سرکوب را گسترش داده است. فعالین زیادی از طیف‌های مختلف را تهدید، احضار و یا دستگیر کرده است. میدانند که جامعه انقلابی ایران بار دیگر دارد بلند میشود و موج‌های بلند انقلاب در راه است.

در دانشگاهها شروع به اخراج گسترده‌تر استادان کرده است چون علیرغم تصفیه‌های بیشمار از آنها می‌ترسد. دانشجویان زیادی را احضار کرده یا تهدید کرده است چون از خیزش مجدد و سراسری آنها وحشت دارد. در شهری نیست که خانواده دادخواهی را دستگیر یا تهدید نکرده باشد چون از تجمعات خانواده‌ها و مراسم‌های بزرگداشت جانباختگان می‌ترسد، حتی از قبر آنها می‌ترسد. در ادامه سالها سرکوب و کلای معترض، مجلس اسلامی تصمیم گرفت صدور و تمدید پروانه وکالت را از اختیارات کانون‌های وکلا سلب کند و جلو وکلای مخالف و حق طلب را بگیرد. چون از دفاع وکلا از معترضین، حتی در چهارچوب قوانین خود حکومت، می‌ترسد. از مدیای اجتماعی و از رسانه‌ها از جمله خیلی از رسانه‌های مجاز داخل کشور می‌ترسد چون همه جا پر است از نوشته‌ها و کلیپهای افشاگرانه و آگاهگرانه. از اظهار نظر نیمی از مقامات و آیت‌الله‌های خود می‌ترسد. حتی از نیروی سرکوب خودش می‌ترسد و کنترل شدیدی بر آنها اعمال کرده است. از بازنشسته و معلم و کارگر می‌ترسد چون مطالبات بر حشمان مطالبات همه مردم است. از پزشک و پرستار می‌ترسد. از جوانان و دانش‌آموزان، از مردم گیلان و بلوچستان، کردستان و تهران، اصفهان و آذربایجان و فارس و کرمان می‌ترسد چون فریاد می‌زنند ما همه با هم هستیم. از بی‌حجابی و زنان بی‌حجاب می‌ترسد چون بنیادهای حکومتش را لگدمال کرده‌اند. از خواننده و هنرپیشه و از تیم‌های ورزشی و ورزشکاران می‌ترسد. از تماشاگران هم می‌ترسد. از رقص و موسیقی و شادی می‌ترسد. از بازاریان و اعتصابشان می‌ترسد. گردشگاهها و پاساژها را پلمب میکند چون از حضور مردم می‌ترسد. از مراسم‌های محرمش هم دیگر وحشت دارد. در واقع تماما شبیه یک حکومت اشغالگر از هر جنبه‌ای می‌ترسد، از همه چیز و همه کس بیگانه است و خود را در محاصره مردمی می‌بیند که در هر جا و هر لحظه‌ای منتظر فرصت برای اعتراض هستند.

دستگیری‌ها و سرکوب‌ها، تهدیدها و احضارها، مقررات و قوانین جدید مجلس اسلامی همه و همه سیاست حکومتی در سراسری سقوط و وحشت‌زده است. حکومتی که انقلاب گلویش را گرفته است و مجبور است به همه چنگ بزند. این مختصات حکومتی است در بن‌بست، بدون هیچ راه حلی برای تخفیف نارضایتی‌ها، بحران‌ها، کمبودها، حکومتی که هر روز حلقه حکومتگرانش تنگ‌تر و کوچکتر میشود و خود را در مقابل توده‌های عظیم مردم و انقلابشان تماما مستاصل می‌بیند. حکومت اسلامی رفتنی است. علیرغم همه سرکوبگری‌ها قدرت ارباب ندارد، برعکس تک تک مقامات و سرکوبگرانش وحشت‌زده‌اند. اقتداری برایش نمانده است، برعکس از قدرت مردم وحشت‌زده است. در چنین شرایطی خود را هر چه بیشتر سازمان بدهیم، همبستگی‌مان را تقویت کنیم و یکپارچه برای سالروز انقلاب آماده شویم. روز ۲۶ شهریور همه جا را تعطیل کنیم و خیابان‌ها را بار دیگر به تسخیر خود درآوریم.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۳ شهریور ۱۴۰۲، ۴ سپتامبر ۲۰۲۳



و اجتماعی خانواده. ایجاد رفاه همگانی از طریق بیمه بیکاری و تامین اجتماعی قدرتمند برای همه افراد دارای سن قانونی آماده به کار و یا فاقد توانایی کار. رایگان سازی آموزش و پرورش و بهداشت و درمان برای همه مردم.

۱۲. عادی سازی روابط خارجی در بالاترین سطوح با همه کشورهای جهان بر مبنای روابطی عادلانه و احترام متقابل، ممنوعیت دستیابی به سلاح اتمی و تلاش برای صلح جهانی.

از نظر ما مطالبات حداقلی فوق با توجه به وجود ثروت‌های زیر زمینی بالقوه و بالفعل در کشور و وجود مردمی آگاه و توانمند و نسلی از جوانان و نوجوانانی که دارای انگیزه فراوان برای برخورداری از یک زندگی شاد و آزاد و مرفه هستند، به فوریت قابل تحقق و اجراست.

مطالبات مطروحه در این منشور، محورهای کلی مطالبات ما امضا کنندگان را لحاظ و بدیهیست در تداوم مبارزه و همبستگی خود به صورت ریز و دقیقتری به آنها خواهیم پرداخت.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

اتحادیه آزاد کارگران ایران

اتحادیه تشکل‌های دانشجویی دانشجویان متحد

کانون مدافعان حقوق بشر

سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

خانه فرهنگیان ایران (خافا)

بیدارزنی

ندای زنان ایران

صدای مستقل کارگران گروه ملی فولاد اهواز

کانون مدافعان حقوق کارگر

انجمن صنفی کارگران برق و فلز کرمانشاه

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

اتحاد بازنشستگان

شورای بازنشستگان ایران

تشکل دانشجویان پیشرو

شورای دانش آموزان آزاد اندیش ایران

سندیکای نقاشان استان البرز

کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری ایران

شورای بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی (بستا) (برگرفته از مدیای اجتماعی)

برای فراخوان ۲۵ شهریور؛ اولین سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی آماده میشویم

ما افراد همجنسگرا، دوجنسگرا، ترنس و کوئیر ایرانی همچون سالی که گذشت در کنار زنان، دانشجویان، کارگران و جوانان به مبارزه با این نظام ضدانسانی و هموفوب خواهیم پرداخت و همگام با جامعه، انسانیت، برابری و آزادی را مطالبه خواهیم کرد. لیاقت ما فراتر از این شرایط اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است و برای دستیابی به دنیایی بهتر و انسانی، آماده مبارزه متشکل و جمعی برای مبارزات خیابانی و پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی میشویم. جمع‌ها و گروه‌های مبارزاتی شهر/محله خود را شکل دهید و آماده مبارزه و جدال نهایی باشید.

#همه_با_هم_هستیم #رنگینکمانیها_حامی_برابری #زن_زندگی_آزادی

(برگرفته از مدیای اجتماعی)

از صفحه ۵

منشور مطالبات حداقلی ...

محلات تا صحنه جهانی پرچم این مطالبات حداقلی را بر بلندای قله رفیع آزادیخواهی برافراشته دارند.

۱. آزادی فوری و بی‌قید و شرط همه زندانیان سیاسی، منع جرم انگاری فعالیت سیاسی و صنفی و مدنی و محاکمه علنی آمرین و عاملین سرکوب اعتراضات مردمی.
۲. آزادی بی‌قید و شرط عقیده، بیان و اندیشه، مطبوعات، تحزب، تشکل‌های محلی و سراسری صنفی و مردمی، اجتماعات، اعتصاب، راهپیمایی، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های صوتی و تصویری.

۳. لغو فوری صدور و اجرای هر نوع مجازات مرگ، اعدام، قصاص و ممنوعیت هر قسم شکنجه روحی و جسمی.

۴. اعلام بلادرنگ برابری کامل حقوق زنان با مردان در تمامی عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و خانوادگی، امحا و لغو بی‌قید و شرط قوانین و فرم‌های تبعیض آمیز علیه تعلقات و گرایش‌های جنسی و جنسیتی، به رسمیت شناختن جامعه‌ی رنگین‌کمانی "ال‌جی‌بی‌تی‌کیو‌ای‌ای‌پلاس"، جرم زدایی از همه تعلقات و گرایش‌های جنسیتی و پایبندی بدون قید و شرط به تمامی حقوق زنان بر بدن و سرنوشت خود و جلوگیری از اعمال کنترل مردسالارانه.

۵. مذهب امر خصوصی افراد است و نباید در مقدرات و قوانین سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور دخالت و حضور داشته باشد.

۶. تامین ایمنی کار، امنیت شغلی و افزایش فوری حقوق کارگران، معلمان، کارمندان و همه زحمتکش‌ان شاغل و بازنشسته با حضور و دخالت و توافق نماینده‌های منتخب تشکل‌های مستقل و سراسری آنان.

۷. امحا قوانین و هرگونه نگرش مبتنی بر تبعیض و ستم ملی و مذهبی و ایجاد زیرساخت‌های مناسب حمایتی و توزیع عادلانه و برابر امکانات دولتی برای رشد فرهنگ و هنر در همه مناطق کشور و فراهم کردن تسهیلات لازم و برابر برای یادگیری و آموزش همه زبان‌های رایج در جامعه.

۸. بر چیده شدن ارگانهای سرکوب، محدود کردن اختیارات دولت و دخالت مستقیم و دائمی مردم در اداره امور کشور از طریق شوراهای محلی و سراسری. عزل هر مقام دولتی و غیر دولتی توسط انتخاب کنندگان در هر زمانی باید جزو حقوق بنیادین انتخاب کنندگان باشد.

۹. مصادره اموال همه اشخاص حقیقی و حقوقی و نهادهای دولتی و شبه دولتی و خصوصی که با غارت مستقیم و یا رانت حکومتی، اموال و ثروت‌های اجتماعی مردم ایران را به یغما برده‌اند. ثروت حاصل از این مصادره‌ها، باید به فوریت صرف مدرن سازی و بازسازی آموزش و پرورش، صندوقهای بازنشستگی، محیط زیست و نیازهای مناطق و اقشاری از مردم ایران شود که در دو حکومت جمهوری اسلامی و رژیم سلطنتی محروم و از امکانات کم‌تری برخوردار بوده‌اند.

۱۰. پایان دادن به تخریب‌های زیست محیطی، اجرای سیاستهای بنیادین برای احیای زیرساخت‌های زیست محیطی که در طول یکصد سال گذشته تخریب شده‌اند و مشاع و عمومی کردن آن بخش‌هایی از طبیعت، (همچون مراتع، سواحل، جنگل‌ها و کوهپایه‌ها) که در قالب خصوصی سازی حق عمومی مردم نسبت به آن‌ها سلب شده است.

۱۱. ممنوعیت کار کودکان و تامین زندگی و آموزش آنان جدای از موقعیت اقتصادی

تلگرام: @wpi_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

به حزب کمونیست
کارگری پیوندید!



۲۵ شهریور روز باز ایستادن همه چرخها و تسخیر خیابانها است

زن ستیز جمهوری اسلامی است. هر چه بیشتر آنرا گسترش دهیم و ارکان حکومت را به لرزه درآوریم. مردم کردستان خود را برای اعتصاب عمومی یکپارچه و سراسری آماده میکنند. خانواده ژینا اعلام مراسم

کرده‌اند و تشکل‌های مردمی و اصناف سقز فراخوان به تجمع بر مزار ژینا داده‌اند. خانواده‌های جانبازان یک ستون مستحکم انقلابند همه جا بر مزار عزیزان جانبازان تجمع کنیم و علیه جنایتکاران حاکم خشم مان را فریاد کنیم.

۲۵ شهریور روزی برای شروع موج تازه انقلاب است. یاد عزیز مهسا و مهساها را با تعرض هر چه گسترده‌تر به رژیم تبهکار جمهوری اسلامی بزرگ بداریم!

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۵ شهریور ۱۴۰۲، ۶ سپتامبر ۲۰۲۳

خود را برای روزی قدرتمند علیه حکومت فرتوت اسلامی آماده کنیم. روز قتل مهسا (ژینا) را به روز تعطیل عمومی در سراسر کشور تبدیل کنیم و به تجمعات و تظاهرات خیابانی بپیوندیم. شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی و دهها تشکل دیگر فراخوان به تسخیر خیابانها و شعارنویسی و پرفورمنس‌های اعتراضی داده‌اند. به این فراخوانها بپیوندیم و همه جا شبکه‌ها و تشکل‌های خود را ایجاد کنیم. روز ۲۵ شهریور خیابانها مال ما است.

در سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی ما کارگران مراکز تولیدی و خدماتی، رانندگان کامیون، رانندگان اتوبوس و تاکسی و مترو، کارمندان ادارات، وکلا، کارکنان شرکتها و موسسات، بازاریان و مغازه دارها، همه جا در بزرگداشت مهسا و مهساها دست از کار میکشیم و به همراه معلمان و دانشجویان و دانش آموزان و باننشستگان با مشت‌های گره کرده به خیابان می‌آئیم. ۲۵ شهریور روز توقف چرخها و تسخیر خیابانها است.

روز ۲۵ شهریور همه بی‌حجاب ظاهر شویم. بی‌حجابی خاری در چشم رژیم

مهران محبی

"رئسی، قالیاف، این آخرین پیامه، جنبش بازنشسته آماده قیامه"

اندازد! این جامعه و این فضا، میدان نبرد مردم برای رهایی است. دیگر با چه زبانی باید اعلام شود که جواب حاکمیت فقط ادامه انقلاب است؟ بازنشستگانی که خطاب به رئسی و قالیاف شعار می‌دهند که قیام خواهند کرد، خیلی واضح و صریح ادامه انقلاب تا سرنگونی نظام را اعلام می‌کنند. به حکومت این پیام را می‌دهند که دیگر ماشین سرکوبش به گل نشسته و ابهت قدرتش در برابر عزم و اراده مردم توخالی از آب در آمده است. دیگر نمی‌تواند حریف مردم انقلابی و خواهان آزادی، رفاه و برابری شود. این حکومت نه راه پیش دارد، نه راه پس.

جمهوری اسلامی به آخر خط رسیده است. هر اقدام سرکوبگرانه به ضد خودش تبدیل می‌شود. هر تقلا و تلاش برای مرعوب کردن جامعه، بهانه‌ای برای ایجاد همبستگی و اتحاد مردم می‌گردد. حکومت نمی‌تواند برای حفظ بقایش کاری کند و دیگر نمی‌داند چکار باید بکند. شبیه به افعی ای شده که کمرش شکسته و توان خزیدن ندارد و سر و گردنش را از شدت درد به اطراف می‌چرخاند و بر زمین می‌کوبد. به هر سو که می‌چرخد بر سرش کوبیده می‌شود. گیج است و درمانده.

اما شعار بازنشستگان یک رویه دیگر هم دارد، و آن هم رو به جامعه است. به جامعه فراخوان می‌دهد که به ما بپیوندید و کار حکومت را سریعتر تمام کنیم. به کارگران، معلمان، پرستاران، بیکاران، زنان، جوانان و مدافعان محیط زیست، به مالباختگان، اقلیتهای مذهبی و به رنگین کمانان و به هر انسان معترضی نسبت به هر جنبه‌ای از شرایط زندگیش تحت حاکمیت این حکومت جنایتکار فراخوان می‌دهند که با بازنشستگان معترض همراه شوند.

پس با بازنشستگان در تجمعات هر هفته ایشان همراه شویم. خواهان تحقق فوری مطالبات بازنشستگان و پایان یافتن فضای امنیتی، تهدید و ارباب و آزادی بازداشت شدگان شویم. اعلام کنیم در ۲۵ شهریور سالروز قتل مهسا امینی به خیابان خواهیم آمد، تجمع خواهیم کرد و یاد جانبازان را و سالروز شروع انقلابمان را گرامی خواهیم داشت. زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی

این روزها که جمهوری اسلامی بر سرکوبها شدت داده و قلاعه‌ها را از گردن درندگان باز کرده و آنها را به جان خانواده‌های جانبازان و بازداشت شدگان در جریان انقلاب انداخته است، بازنشستگان در هر هفته سه بار در خیلی از شهرها و مراکز استانها در اعتراض به اوضاع بد معیشتی خود تجمعات اعتراضی برپا می‌کنند. سرکوبگریهای حکومت و فضای امنیتی شهرها نه تنها باعث مرعوب شدن جامعه، آنطور که حکومت می‌خواست نشده، بلکه روحیه مبارزه جوئی و تعرضی عمومی بالاتر رفته و جسارت در تجمعات بیشتر شده است. نمونه‌ای از این جسارت و بالا بودن روحیه مبارزاتی و تعرضی در تجمعات بازنشستگان در روز دوشنبه ۷ شهریور به نمایش گذاشته شد. بازنشستگان استان کردستان در تجمع روز دوشنبه ۷ شهریور خود که همزمان با تجمعات بازنشستگان در خیلی از شهرهای دیگر برپا شد، شعار: "رئسی، قالیاف، این آخرین پیامه، جنبش بازنشسته آماده قیامه" سر دادند. سر دادن این شعار پاسخ شایسته و بجای بازنشستگان به فضای امنیتی ایجاد شده توسط نیروهای مزدور حکومتی در شهرها و یورشهای گسترده به خانواده‌های جانبازان و بازداشت شدگان در جریان انقلاب جاری است. در این هفته نیز در سه شنبه چهارده شهریور بازنشستگان کشوری در سنجق با شعار "درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید" کل جامعه را به اعتراض علیه فقر و بی‌تامینی فراخواندند.

این جامعه‌ای است که به خیال خام حکومت قرار بوده با ایجاد فضای امنیتی در شهرها و یورش به خانواده‌ها و فعالین و بازداشت شدگان انقلاب در آستانه سالروز شروع انقلاب مرعوب و خانه نشین شود و مردم اینگونه پاسخ جانپان و جنایتکاران را می‌دهند. تفسیر این شعارها در برابر حکومت این است: بازداشت می‌کنید؟ تهدید می‌کنید؟ سرکوب می‌کنید و معیشت از ما می‌گیرید؟ ما هم قیام می‌کنیم! انقلاب می‌کنیم و سرنگونتان می‌کنیم! شما نیروی سرکوب هراسان و لرزان دارید؟ ما جمعیت هشتاد میلیونی مصمم و تشنه سرنگونی شما هستیم! شما خواهر زینبهای چون آمنه ذبیح پور این بازجو خیرنگار وحشت زده را دارید؟ ما سپیده قلیان‌های جسور و شجاع را داریم که قانون حجابتان را در امنیتی ترین مکان قدرتان، در پیدادگاهتان و در آنجا که احکام سنگین زندان و اعدام به انقلابیان و معترضان داده میشود، را لگدمال می‌کند و از طرف هشتاد میلیون نفر بر خود و مزدورانتان تف می‌



امجد امینی: مراسم سالگرد مهسا را برگزار می کنیم

امجد امینی پدر ژینا (مهسا) امینی اعلام کرده است: « برای گرامیداشت نام و یاد ژینا برآنیم که امسال مراسم سالگرد را برگزار کنیم. اما قطعاً با توجه به شرایط نمیتوانیم به صورت رسمی برای دعوت مردم در مراسم فراخوان بدهیم و یا به مردم بگوییم که در مراسم شرکت نکنند. چرا که امروزه همه میدانند که مهسا فقط متعلق به خانواده امینی نیست و او دختر ایران است و متعلق به تمام کشور است. دوستداران مهسا به مثابه خانواده‌اش هستند بنابراین مردم هر طور تصمیم بگیرند ما مطیع شان هستیم. »

همراه با خانواده ژینا بپا خواهیم خواست، در سراسر کردستان دست از کار میکشیم و بر مزار ژینا تجمع عظیم خود را برپا خواهیم کرد. حضور گسترده ما هر مانعی را در هم خواهد پیچید

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ شهریور ۱۴۰۲ - ۶ سپتامبر ۲۰۲۳

۲۵ شهریور روز تجمع بر مزار ژینا، روز باز ایستادن همه چرخ‌ها و تسخیر خیابانها خواهد بود

امجد امینی پدر ژینا (مهسا) امینی اعلام کرده است: « برای گرامیداشت نام و یاد ژینا برآنیم که امسال مراسم سالگرد را برگزار کنیم. اما قطعاً با توجه به شرایط نمیتوانیم به صورت رسمی برای دعوت مردم در مراسم فراخوان بدهیم و یا به مردم بگوییم که در مراسم شرکت نکنند. چرا که امروزه همه میدانند که مهسا فقط متعلق به خانواده امینی نیست و او دختر ایران است و متعلق به تمام کشور است. دوستداران مهسا به مثابه خانواده‌اش هستند بنابراین مردم هر طور تصمیم بگیرند ما مطیع شان هستیم. » این پاسخ کوبنده پدر مهسا امینی به رژیم درمانده اسلامی است. تشکل‌های مردمی و اصناف سقز نیز مردم سراسر کردستان را به تجمع بر مزار ژینا فراخوانده‌اند تا « بار دیگر و بیش از پیش، فریاد آزادیخواهی خود را علیه ظلم این ظالمان برآریم. » حکومتی تماماً مستاصل که ترس و وحشت از همه چیز و همه کس سراپای وجودش را فرا گرفته است گمان میکند میتواند با دستگیری و تهدید خانواده‌های جانباختگان و مردم به جان آمده مانع تداوم انقلاب شود.

اما تهدید، ارباب، زندان، اعدام و دستگیری خانواده‌های جانباخته و فعالین انقلاب درد بی‌درمان حکومت در حال سقوط را درمان نخواهد کرد. این تقلابا سراسیمگی، وحشت و هراس رژیم اسلامی در شروع موج‌های تازه انقلاب را نشان میدهد. زنان، دانشجویان، جوانان، خانواده‌های جانباخته و بخش‌های مختلف مردم در سراسر کشور با انتشار فراخوانهایی اعلام کرده اند که به خیابانها باز خواهند گشت و تا پایان دادن به عمر ننگین حکومت اسلامی و رسیدن به اهداف آزادیخواهانه خود کوتاه نخواهند آمد.

روز شنبه ۲۵ شهریور روز باز ایستادن همه چرخ‌ها و تسخیر خیابانها است. روز تعطیل همه مراکز کار و تحصیل و بزرگترین و باشکوه‌ترین تجمع بر سر مزار مهسا و حضور هرچه گسترده‌تر در خیابانها است. روزی که مردم در سراسر کشور خود را برای موج تازه انقلاب آماده میکنند. در احترام به مهسا و همه جانباختگان انقلاب و

روز بی‌حجابی همگانی در سراسر ایران!

در سالروز جان‌باختن مهسا/ژینا امینی که بدست جلادان حجاب کشته شد، سراسر ایران به یاد او بی‌حجاب خواهد بود!

در ۲۵ شهریور از سقز و سنندج تا تهران و اصفهان و زاهدان، در همه جا حجاب اجباری، این بیرق اسلام سیاسی را تماماً به زیر خواهیم کشید و فریاد خواهیم زد: «ژن، ژیان، نازادی!» روز مهسا روز رهایی کامل جامعه ایران از طوق بردگی حجاب اجباری و آغاز پایان جمهوری اسلامی است!

گسترده‌تر باد بی‌حجابی همگانی

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی

سرنگون باد جمهوری اسلامی

حزب کمونیست کارگری ایران-۱۵ شهریور ۱۴۰۲، ۶ سپتامبر ۲۰۲۳

پرفروغ‌تر از پیش، سازیم.

لذا اهالی سقز، از تمامی مردم شریف ایران - بالأخص هنرمندان، بازیگران، ورزشکاران، چهره‌ها و شخصیت‌های نامی - دعوت به‌عمل آورده تا با شرکت در این مراسم، یاد آن سمبل آزادیخواهی را گرامی داریم. مردم شریف سقز این افتخار را دارد که پذیرای مهمانان و مردم عزیزی باشند که از دیگر شهرهای ایران در این مراسم حضور می‌یابند. (برگرفته از مدیای اجتماعی)

بیانیه اصناف و تشکلهای مردمی سقز در آستانه اولین مراسم سالگرد قتل ناجوانمردانه ژینا (مهسا) امینی

مردم آگاه و شریف ایران!

احترام و بزرگداشت خون به ناحق ریخته شهدای راه آزادی، یکی از راه‌های یادآوری مصائب و مشکلاتی است که همگان در راه رسیدن به آزادی و پایان بخشی به ظلم، متحمل شده‌اند. و چراغی بر فراز راه است تا ما را به صبحدم نجات و رستگاری از دست ظالمان، رهنمون باشد.

در آستانه اولین سالگرد قتل مهسا (ژینا) امینی، سمبل مظلومیت در غربت هستیم. در سال گذشته، اعتراضات مسالمت‌آمیز و بدور از خشونت مردم ایران به این جنایت، منجر به حوادث ناگوار دیگری گشت که متأسفانه صدها کس در این راه جانفشانی کرده و با جان خود یا تقدیم عضو از اعضای حیاتی خود، مشعل این راه را پرنورتر از گذشته نمودند.

در چهلم آن نوگل پرپر شده، شاهد اجتماع بیش از ۱۵۰ هزار نفری مردم در سقز بودیم که این امر خود مدعا نیست بر عظمت و قدرت همراهی و همدلی و یکپارچگی مردم در برابر ظلم ستمکاران.

بر آنیم تا در ۲۵ شهریورماه امسال با تجمع بر مزار آن سمبل مظلومیت، بار دیگر و بیش از پیش، فریاد آزادیخواهی خود را علیه ظلم این ظالم بر آنیم تا در ۲۵ شهریورماه امسال با تجمع بر مزار آن سمبل مظلومیت، بار دیگر و بیش از پیش، فریاد آزادیخواهی خود را علیه ظلم این ظالمان برآریم و مشعل راه شهیدان را

در حمایت از فراخوان "شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی"

شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی به مناسبت سالروز قتل مهسا (ژینا) امینی و سالگرد انقلاب مردم در شهرها و استان‌های سراسر کشور را به «تجمعات اعتراضی گسترده محله‌محور و راهپیمایی و تظاهرات اعتراضی به سمت خیابان‌ها و میادین اصلی شهر برای تسخیر آن‌ها، در شهرها و استان‌های سراسر کشور» و در شهر سقز و استان کردستان به «حضور در راهپیمایی اعتراضی به سمت مزار مهسا (ژینا) امینی در آرامستان آیچی و اعتصاب سراسری کسبه و بازاریان در کردستان» فراخوانده است.

قدرت و یکپارچه و با اتحاد و عزمی راسخ انقلاب‌مان را تداوم دهیم. جمهوری اسلامی رفتنی است. بگیر و ببندها و تهدیدات و دستگیری‌های گسترده‌ای که در سراسر کشور شروع شده است بیانگر وحشت حکومت از خیزش مجدد مردم است. اقتدار حکومت از هر نظر در هم شکسته است. با تداوم انقلاب باشکوه و آزادیخواهانه‌مان حکومت دزدان و قاتلان اسلامی را برای همیشه به گور خواهیم سپرد.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۰ شهریور ۱۴۰۲، ۳۱ آگوست ۲۰۲۳



فراخواندندگان:

شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی
(شامل تشکلهای دانشجویی، دانش‌آموزی و قوه‌های مبارزاتی شهر، جوانان و زنان)

آخرمان علیه این حکومت دزد، سرکوبگر و جنایتکار برویم! برای همه ما، سالروز قتل حکومتی مهسا (ژینا)ی ما که اسم رمز انقلابمان شد، فرا می‌رسد.

ما باید دگربار علیه کل موجودیت حکومت بچه‌کش و قاتل جوانانمان، قاتل امیدها و آرزوهایمان، بایستیم و فریاد «زن زندگی آزادی» (سر بدهیم. بعد از یک سال مبارزه نفس‌گیر، دوباره به خیابان برمیگردیم.

در سالروز قتل که کاسه صبرمان را لبریز کرد و سیل خروشان انقلاب را روانه خیابان‌های سراسر کشور کرد، برمی‌خیزیم و با اسم رمز «مهسا/ژینا»، دگربار لرزه بر تن متجاوزان و قاتلان می‌اندازیم. از امروز تا روز ۲۵ شهریور؛ آمادگی برای تجمعات، فعالیت‌های میدانی، تبلیغات، سازماندهی شهری و محله‌ای برای حضور هر چه بیشتر مردم برای سالروز انقلابمان. فراخوان ما به‌عنوان «شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی» (تشکل‌های دانشجویی و دانش‌آموزی و گروه‌های مبارزاتی شهری زنان و جوانان) رو به عموم جامعه در روز شنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۲:

تجمعات اعتراضی گسترده محله‌محور و راهپیمایی و تظاهرات اعتراضی به سمت خیابان‌ها و میادین اصلی شهر برای تسخیر آن‌ها، در شهرها و استان‌های سراسر کشور

در شهر سقز و کل استان کردستان:

حضور در راهپیمایی اعتراضی به سمت مزار مهسا (ژینا) امینی در آرامستان آیچی و اعتصاب سراسری کسبه و بازاریان در شهرهای کردستان

تشکل‌های دانشجویی و دانش‌آموزی و گروه‌های مبارزاتی شهری زنان و جوانان ۶ شهریور ۱۴۰۲ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

فراخوان «شبکه سراسری انقلاب زن زندگی آزادی»

مردم مبارز سراسر کشور؛ «انقلاب زن زندگی آزادی»، انقلاب همه ما سرکوب‌شدگان علیه جمهوری اسلامی است!

فراخوان سراسری به مناسبت سالروز قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی و سالگرد آغاز «انقلاب زن زندگی آزادی» (فراخوان ۲۵ شهریور

انقلابمان) انقلاب زن زندگی آزادی با اسم رمز مهسا/ژینا، یکی از باشکوه‌ترین و عظیم‌ترین انقلابات بشریت، در آستانه یکساله شدن است. یکساله که بر همه ما بسیار سخت گذشته؛ ما در کنار هم عزیزانی را از دست دادیم که یاد و خاطره و آرمان‌خواهی آنها در قلب‌مان همیشه زنده است.

در این یکسال لحظه به لحظه کنار هم بودیم و انقلاب و مبارزه را پیش برده‌ایم. رژیم اسلامی علی‌رغم همه جنایاتی که انجام داده اما موفق نشده ما و انقلابمان را متوقف کند و حالا در آستانه یکساله شدن «انقلاب زن زندگی آزادی» هستیم. بله، ما به‌عنوان سرکوب‌شدگان و بخش‌های تحت محرومیت، استثمار و سرکوب جامعه، مصمم‌تر از همیشه برای سرنوشتی حکومت جنایتکاران و دزدان دوباره به میدان خواهیم آمد.

ما زنانی که برابر یکی از وحشی‌ترین حکومت‌های تاریخ بشریت ایستاده‌ایم، ما دانشجویان و دانش‌آموزانی که برای آینده‌ای بهتر آرام و قرار نداریم، ما کارگران و معلمان و بازنشستگان و کادر درمانی که برای یک «زندگی انسانی و مرفه برای همگان در حال مبارزه‌ایم، ما رنگین‌کمانی‌هایی که آزادی و حقوق انسانی برابر می‌خواهیم، ما خانواده‌های دادخواهی که به امید دادخواهی، باید به سمت نبرد

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه فولاد پارس هفته تپه و پرستاران در اصفهان

تعرفه خود هستند. دور جدیدی از اعتراض در میان پرستاران و کادر درمان آغاز شده است. پرستاران و کارکنان بخش درمان نقش مهمی در کمک رسانی به مردمی که در جریان انقلاب زن زندگی آزادی مورد حمله نیروهای سرکوب قرار می‌گرفتند و نجات جان آنها داشتند. پرستاران صف مقدم جدال با کرونا و حکومت کرونایی بودند. پرستاران به سطح نازل حقوقها، فشار سنگین کاری و اضافه کاری‌های اجباری، استاندارد پایین بهداشتی بیمارستانها و مراکز درمانی و اخراجها اعتراض دارند و در این رابطه بارها دست به تجمع و اعتراض زده اند. از مبارزات آنها باید فعالانه حمایت کرد و صدای پرستاران را بازتاب داد.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۸ شهریور ۱۴۰۲، ۹ سپتامبر ۲۰۲۳

روز ۱۸ شهریور کارگران کارخانه ی فولاد پارس در هفت تپه در اعتراض به وضع بد معیشتی خود در مقابل ساختمان این شرکت تجمع کردند. این کارگران به تعویق پرداخت دستمزدها، میزان ناچیز پاداشها، مشکلات بیمه ای و نیز سطح نازل حقوقها و عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، معترضند.

در این روز همچنین پرستاران و کادر درمان بیمارستان الزهرا در اصفهان در اعتراض به معضلات معیشتی و کاری خود تجمع کردند. در این حرکت اعتراضی پرستاران شعار میدادند: «پرستار داد بزن، حقتو فریاد بزن». «ترسید، ترسید، ما همه با هم هستیم». بنا بر خبرهای منتشر شده تعرفه پرستاری از سال گذشته تاکنون فقط یکبار پرداخت شده است و پرستاران با برپایی تجمع خواهان پرداخت فوری معوقات

آپارتاید جنسیتی مصداق بارز جنایت علیه بشریت است



روشنی تبعیضات فاحش علیه زنان رسمیت و قانونیت یافته است. سازمان ملل و کلیه نهادها و دولتهایی که در جهان ادعای دفاع از حقوق بشر را دارند باید صراحتاً جمهوری اسلامی را به عنوان حکومت آپارتاید جنسیتی محکوم

کنند و آنرا به جرم جنایت علیه بشریت تحت پیگرد قرار بدهند. آپارتاید جنسیتی جنایت فجیعی علیه زنان و کل جامعه و علیه بشریت است.

ما همه مردم شریف دنیا، از همه احزاب و نیروهای مترقی و آزادیخواه و همه چهره‌های ادبی و هنری و ورزشی مدافع حقوق زنان را فرامی‌خوانیم که جمهوری اسلامی را بعنوان یک حکومت زن ستیز و بخاطر اعمال تبعیض و بی‌حقوقی‌های فاحش و جنایات بی‌شمار و روزمره علیه زنان و علیه کل جامعه محکوم کنند و از دولتها و ارگانهای بین‌المللی بخواهند که مقامات جمهوری اسلامی را تحت پیگرد قرار بدهند و این رژیم را، همانند رژیم ضد بشری آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی، بایکوت کنند. این خواست همه زنان و مردان پیاخته در ایران است.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۳ شهریور ۱۴۰۱، ۴ سپتامبر ۲۰۲۳

انقلاب زن زندگی آزادی و مبارزات زنان شجاع علیه حجاب دنیا را متوجه آپارتاید جنسیتی در ایران کرده است. هشت کارشناس سازمان ملل روز جمعه اول سپتامبر لایحه عفاف و حجاب جمهوری اسلامی را شکلی از آپارتاید جنسیتی خواندند و آنرا مصداق جنایت علیه بشریت دانستند.

آپارتاید جنسیتی امر تازه‌ای در ایران نیست. از همان آغاز روی کار آمدن حکومت زن ستیز جمهوری

اسلامی جداسازی زنان مردان در اماکن عمومی آغاز شده و آزادی پوشش، حق طلاق و حق مسافرت و اشتغال بدون اجازه شوهر و یا "سرپرست" مرد خانواده، حق قضاوت، حق آواز

صادر شود.

این قدمی در راه نتیجه بخش بودن مبارزاتمان است و برای ما امید بخش است.

ما می‌توانیم به قدرت اتحاد و همبستگی هایمان زندگی که از ما سلب کرده اند را از چنگال کثیف جنایتکاران سرکوبگر رها سازیم و تمام آمرین و عاملین کشتارهای چندین ساله شان را به میز محاکمه و عدالت بکشانیم



۲۵ شهریور، #روز_مهسا یک روز تاریخی است روزی که عزیزان ما به پاس زندگی و با اسم رمز مهسا به خیابان آمدند و فریاد "زن زندگی آزادی" سر دادند ما نیز از این پس به قدرت اتحادمان، ۲۵ شهریور، روز مهسا را به روز دادخواهی زندگی بدل خواهیم کرد.

کارهایمان را تعطیل می‌کنیم و مزار و محل کشته شدن عزیزانمان را گلباران می‌کنیم. از همه انسانهایی که معنی زندگی را در آزادی می‌دانند می‌خواهیم با هر شکلی که می‌توانند این روز را به روز اعتراض سراسری بدل سازند. با سر دادن شعر و ترانه و سرودهایی که یادآور عزیزان جانباخته مان است یادشان را جاودانه سازیم و حق شادی و رفاه را فریاد کنیم. دیوارهای شهر را از نام و عکس عزیزان جانباخته مان پر کنیم و هر کوی و برزن صدای دادخواهی را به هر شکلی بلند کرده و خواب آسوده را از چشمان جنایتکاران قاتل برهانیم.

بعد از روز مهسا هر روز سالگرد عزیزی در راه است که یادآور اعتراضات به حق ماست. از همه تشکلهای و نهادهای مدافع حقوق انسانی می‌خواهیم که روز مهسا را به روز همبستگی سراسری و دادخواهی زندگی بدل سازیم.

ما جز زندگی چیزی نمی‌خواهیم و آزادی حق ماست و به قدرت اتحاد مان پیروز می‌شویم. زنده باد #انقلاب_مهسا. دادخواهان - شهریور ۱۴۰۲

#نه_می‌بخشیم_نه_فراموش_می‌کنیم #ایستاده_ایم_تا_پایان.

#محاکمه_آمرین_عاملین #زن_زندگی_آزادی #انقلاب_مهسا

برگرفته از مدیای اجتماعی: حزب کمونیست کارگری طی اطلاعیه ای فرخوان دادخواهان را مورد پشتیبانی قرار داد کرد

بیانیه دادخواهان به مناسبت سالگرد انقلاب مهسا

۲۵ شهریور، #روز_مهسا یک روز تاریخی است

به روز ۲۵ شهریور اولین #سالگرد_مهسا_امینی نزدیک می‌شویم. روزی که مهسا دختر جوان ما به سادگی توسط ماموران پلیس گشت ارشاد حکومت کشته شد و فیلم آخرین لحظات جان باختن وی خشم مردم به جان آمده را به انفجاری بدل کرد به دنبال قتل مهسا اعتراضاتی شروع شد که مردم از آن به عنوان انقلاب مهسا (ژینا) یاد می‌کنند.

انقلابی که زندگی را طلب می‌کند و فریادش #زن_زندگی_آزادی است.

امروز یکسال از قتل مهسا(ژینا) امینی که اسم رمز اعتراض به حق ما شد، می‌گذرد و پاسخ حاکمان به ما گلوله های آتشی بود که صدها جان عزیزانمان را به کام مرگ کشاند و مجروحانی که چشم هایشان را از دست دادند.

و هزاران خانواده که به صف دادخواهان پیوسته ایم.

بازماندگانی که دیگر زندگی برایمان جز دادخواهی معنایی ندارد و هم اینک با نزدیک شدن به #سالگرد_انقلاب_مهسا_دستگاه امنیتی سرکوبگر اقدام به دستگیری و زندان و تهدید دادخواهان کرده است.

در حالیکه ما عزیزانمان را از دست داده ایم و دیگر حتی مرگ نیز برایمان هراسی ندارد و شاهد پاسخ مشترک و متحدانه خانواده های دادخواه به موج سرکوب جدید حاکمان بوده ایم که بین ما با تن بی جان جگرگوشه‌هایمان بر دوش و شما با زندان‌ها و شلاق‌ها و تهدیدهایتان، تنها یک جمله باقی‌ست: «قسم به خون یاران؛ #ایستاده_ایم_تا_پایان.

همچنین به همراه مردمی که هرگز تنهایمان نگذاشتند و با اشکال مختلف از ما حمایت و پشتیبانی کردند، توانستیم با همصدایی هایمان گوش دنیا را پر کنیم و اینک در نزدیکی اولین سالگرد #روز_مهسا شاهد صدور بیانیه ای از طرف سازمان عفو بین الملل بوده ایم که به فشارهای سیستماتیک وارد آمده بر دادخواهان و ظلم هایی که در حق خانواده ها روا داشته می‌شود اشاره کرده و از اینکه حتی به سنگ مزار جانباختگان نیز رحم نمی‌کنند.

همچنین در بخشی از بیانیه فوق آمده: «با توجه به نظام‌مند بودن مصنوعیت از مجازات در ایران، عفو بین‌الملل از همه دولت‌ها می‌خواهد که از صلاحیت قضایی جهانی استفاده کنند و برای مقامات ایرانی از جمله آنهایی که مسیولیت فرماندهی دارند، حکم بازداشت

مهران محبی

بازداشت به جرم مطالبه کار

کارگران بازداشتی آق دره باید فوراً آزاد شوند



هدف شلیک گلوله قرار دادند و علاوه بر زخمی کردن بیش از ۳۰۰ نفر، چهار کارگر به نامهای ریاحی، جاویدی، مهدوی، مؤمنی و یک دانش آموز به نام پورامینی را به قتل رسانیدند.

همچنین در جریان تجمع جوانان جویای کار روستای شهرونی در ۲۲ آذر ۱۳۹۴ که با خواست کار مقابل پالایشگاه گاز بید بلند بهبهان شده و جاده را مسدود کرده بودند، سرکوبگران حکومت با شلیک مستقیم گلوله به سوی معترضان، مرتضی فرج نیا را به قتل رساندند و جوان دیگری به نام ابراهیم شهرونی به شدت مجروح شد که اینک معلول و ویلچر نشین است.

جمهوری اسلامی، حکومت ضد زندگی، ضد برخورداری عموم جامعه از رفاه است و حتی حاضر به دادن اجازه زندگی کردن در شرایط چند برابر زیر خط فقر به مردم نیست، اگر صدای اعتراضشان بلند شود. برای حکومتی که تا این حد ضد انسان و درنده است، کشتار و ضرب و شتم کارگران خواهان کار برایش امری "عادی" است و دستگاه قضایی اش نیز در خدمت همین جنایت است. این حکومت ۴۴ سال است که ضدیت آشتی ناپذیر خود را با حق زندگی کردن و با خود زندگی اکثریت مردم ادامه می دهد. این حکومت، حکومت فقر و مرگ و نیستی برای عموم مردم و چپاول ثروتها و سرمایه های اجتماعی برای اقلیت در حاکمیت و وابستگی است.

این رژیم نسبت به حکومت های سرمایه داری متعارف در جهان که تحت فشار اعتراضات و انقلابات کارگری در سطحی مجبور به پذیرش وظیفه تأمین زندگی کارگران و عموم مردمان تحت حاکمیتشان شده اند، یکی از وحشی ترین حکومت های سرمایه داری جهان است که بر دریایی از خشم و نفرت مردم حکومت میکند. در برابر این حکومت مردم در عرصه های مختلف اجتماعی به مقابله برخاسته و خواستههایشان را طلب میکنند. اعتراضات کارگران در معدن آق دره و یا اعتراضات علیه بیکاری را باید در چهارچوب این شرایط دید. باید با خواست کار یا بیمه بیکاری و آزادی بی قید و شرط کارگران بازداشتی آق دره به حکومت اعتراض کنیم و فشار بیاوریم و ۶ کارگر بازداشتی را از زندان آزاد کنیم. باید با اعتراضات سراسری خود ابزار سرکوب و زندان را از دست حکومت بیرون بکشیم و در زندانها را باز کنیم.

نکته مهم اینجاست که هم اکنون حکومت اسلامی در حلقه محاصره اعتراضات کل جامعه قرار گرفته است. این مبارزات پایه های محکم انقلاب زن زندگی آزادی را بنا کرده است. انقلابی که با قتل مهسا امینی فوران پیدا کرد و اکنون یکسالگی آنرا گرامی می داریم.

جمهوری اسلامی حکومتی که بقایش در گرو فقر و فلاکت عمومی است، حکومتی که پاسخ انسانهای خواهان کار برای زنده ماندن را با گلوله و زندان و شلاق می دهد، فقط باید سرنگون شود تا مردم کارگر و زحمتکش امکان زندگی کردن بیابند. تدارک عظیمی که مردم برای گرامیداشت یکسالگی انقلاب خود و یاد مهسا امینی این سمبل انقلاب زن زندگی آزادی دیده اند، عزم راسخ مردم را برای سرنگونی این حکومت به نمایش میگذارد.

زنده باد انقلاب.

روز ۸ مرداد ۱۴۰۲ اهالی روستای آق دره وسطی از توابع تکاب در آذربایجان غربی با خواست کار و بکار گرفته شدن در معدن سنگ تراورتن آق دره، در محل معدن تجمع برگزار می کنند. این تجمع که با همراهی زنان ساکن روستا صورت گرفت، مورد یورش مزدوران سرکوبگر حکومت قرار گرفته و تعدادی از اهالی خواهان کار روستا مجروح می شوند. مأموران پس از ایجاد درگیری و ضرب و شتم شدید اهالی روستا، ۳۲ نفر از آنها را بازداشت می کنند.

بازداشت شدگان این تجمع غیر از ۶ نفر از آنها که کارگر معادن طلا و سنگ تراورتن آق دره بوده اند، بعد از مدتی و البته با قید وثیقه آزاد می شوند و آن ۶ نفر همچنین با اتهامات "اخلال در نظم عمومی"، "اقدام علیه امنیت داخلی کشور" و "آدم ربائی" در بازداشت بسر می برند. لازم به یادآوری است که اعتراضات کارگری در روستای آق دره طی سالهای گذشته نیز جریان داشته و سال ۱۳۹۵ در جریان یک تجمع اعتراضی ۱۷ کارگر معدن طلای آق دره بازداشت و به اتهام "اخلال در نظم عمومی" به تحمل شلاق محکوم شدند و حکم شلاق به اجراء در آمد.

امنیت داخلی و نظم عمومی مورد ادعای حکومت، یعنی امنیت سرمایه داران مفتخور و به معنای تحمیل فقر و بیکاری بر جامعه است. در نظم سرمایه داری که اساسش بر بهره کشی مزدی گذاشته شده، ارتش بیکاری چماقی بر سر کارگران شاغل و تحمیل فقر و بندگی بیشتر به آنهاست. برای حکومت های جمهوری اسلامی که اساسش بر رانت خواری و دزدی و چپاول گذاشته شده، باید اکثریت عظیمی از کارگران بیکار باشند تا بتواند دستمزد ۵ برابر زیر خط فقر و کار در بدترین شرایط را بر کارگران شاغل تحمیل کند و با سودهای افسانه ای جیب های گشاد سران و مقامات دزد و غارتگرش را پر کند. باید هر معترض به بیکاری و خواهان کار را سرکوب و زندانی کند تا میلیونها نفر را به سکوت وادار نماید. باید اوضاع پادگانی و فضای سرکوب را حاکم کند تا امنیت را برای دزدان و جنایتکاران مفتخور تأمین نماید. اخلال در نظم یعنی به پا خاستن کارگران و مردم علیه این سیستم بردگی و حکومت جانپان همواره به دنبال منع و حذف از جامعه بوده اند. اخلال در نظم یعنی همان اعتراض توده ای کارگران و زحمتکشان به بیکاری، فقر، بی مسکنی، بی تأمین معیشتی و هزار ناامنی دیگر. جمهوری اسلامی اعتراضات کارگران و مردم را تحت عنوان اخلال در نظم سرکوب میکند تا در سایه آن بساط چپاول برای اقلیت بی خاصیت گسترانده شود. به خاطر همین باید بکشد و جنایت کند تا بتواند به بساط چپاول و غارتش ادامه دهد. پرونده قطور این حکومت در رابطه با قتل و جنایت در حق کارگران و بیکارانی که فقط خواهان کار بوده اند، گواه این واقعیت است. جانپان همین حکومت دزدان و قاتلین مردم، پرونده کشتار کارگران مس خاتون آباد و جوانان جویای کار روستای شهرونی بهبهان را

در بایگانی دارند. این جنایتکاران روز سوم بهمن ۱۳۸۲ صف اعتراض کارگران اخراجی مجتمع مس خاتون آباد شهر بابک در استان کرمان را با مسلسل از زمین و هوا به گلوله بستند و در نتیجه ده ها نفر زخمی و یک کارگر کشته شد. روز بعد هم کارگران و خانواده هایشان که در مقابل فرمانداری شهر بابک تجمع کرده بودند را مستقیماً





گروه زندانیان

کردن و تشدید فشار بر روی زندانیان خواست فوری آنها بازگشت به زندان اوین و همچنین پایان فوری پرونده‌سازی امنیتی علیه خود است. و تاکید دارند که در صورت عدم تحقق مطالبات بحق خود، همچنان از دریافت هرگونه غذای زندان خودداری خواهند کرد.

جعفر ابراهیمی معلم زندانی یکی از این زندانیان است که از اردیبهشت ۱۴۰۱ در زندان است و به ۵ سال حبس محکوم شده است. او بدلیل بیماری گوارشی و دیابت جانش در خطر است. علاوه بر جعفر ابراهیمی عزیز قاسم زاده، محمود صدیقی‌پور، انوش عادل، مهدی فتحی، هاشم خواستار، رسول بدائی، اسماعیل عبدی، اصغر امیرزادگان، ناهید شیرپیشه، زینب هم‌رنگ، جواد لعل محمدی و محمود ملاکی دیگر معلمان بازداشتی هستند. یک خواست فوری معلمان در کارزار یکصد هزار امضا آزادی جعفر ابراهیمی، معلمان دربند و تمامی زندانیان سیاسی است. کمپین برای آزادی کارگران زندانی وسیعا از این کارزار حمایت میکند. جعفر ابراهیمی باید فوراً آزاد و تحت درمان قرار گیرد. هم‌صدا با سیزده زندانی تبعیدی به قزلحصار به تشدید فشار بر روی زندانیان سیاسی و این تبعید کردن‌ها باید وسیعا اعتراض کرد. باید فوراً به خواست آنها پاسخ داده شود و پرونده امنیتی آنان بسته شود. زندانی سیاسی آزاد باید گردد یک شعار مهم در گرامیداشت سالگرد انقلاب است. این شعار را در همه جا باید سر داد و بر در و دیوار نوشت. با قدرت مبارزاتمان در زندانها را باز میکنیم.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

shahla.daneshfar2@gmail.com

https://www.free-them-now.com/

۱۷ شهریور ۱۴۰۲، ۸ سپتامبر ۲۰۲۳

برگرفته از مدیای اجتماعی

جان سیزده زندانی تبعیدی به قزلحصار در خطر است زندانی سیاسی آزاد باید گردد

از روز یکشنبه ۱۲ شهریور سیزده زندانی سیاسی در اعتراض به انتقال ناگهانی خود از اوین به قزلحصار و شرایط ناجور زندان از دریافت غذای زندان خودداری کرده و در اعتصاب بسر می‌برند. اسامی این زندانیان عبارتند از: سعید ماسوری، جعفر ابراهیمی، کامیار فکور، لقمان امین‌پور، افشین بایمانی، سپهر امام‌جمعه، زرتشت احمدی‌راغب، محمد شافعی، سامان صیدی (یاسین)، حمزه سواری، احمدرضا حائری، رضا سلمان‌زاده و مسعودرضا ابراهیمی‌نژاد.

در دوازدهم شهریور این زندانیان بدون اطلاع قبلی و با دستبند و پابند از زندان اوین به زندان قزلحصار منتقل شدند. به گفته خانواده‌ها وضعیت این زندانیان در زندان قزلحصار وخیم است و آنها بدون رعایت اصل تفکیک جرایم در زندان قزلحصار محبوسند و نامشان به عنوان زندانی این زندان ثبت نشده و از تلفن و ملاقات محرومند. به دلیل فقدان امنیت حداقلی در این بند، زندانیان تبعیدی ناچارند جهت جلوگیری از بسته و مسدود شدن درب سلول، به صورت شبانه‌روزی، کشیک دهند. این بند فاقد امکانات اولیه همچون آب آشامیدنی و آب گرم برای استحمام است. تبعیدشدگان از امکان هواخوری برخوردار نبوده و به صورت بیست و چهار ساعته در یک محیط بسته و بدون تهویه نگهداری می‌شوند. این بند فاقد هرگونه امکانات پخت‌وپز و فروشگاه برای خرید می‌باشد. زندانیان تبعیدی از امکان تلفن به صورت عادی محرومند و امکانات حداقلی برای درمان و بهداشت نیز از آنها دریغ شده است.

در اعتراض به این وضعیت زندانیان تبعیدی از پذیرش غذای زندان از روز اول انتقال خودداری کرده و با توجه به عدم امکان پخت‌وپز عملاً در طول چند روز گذشته، خوراک این زندانیان به جای ویسکویت محدود شده است.

یک اعتراض زندانیان سیاسی و خانواده‌هایشان ادامه بازداشت آنهاست. با این تبعید

ادامه بازداشت ۶ کارگر معدن آق‌دره در زندان مرکزی ارومیه

استخدام ۲۸۵ نفر از مردم روستا داده شده بود، ضمن اینکه قرار بر این بود که با کارگران قرارداد ۱۲ ماهه بسته شود. اما علیرغم این توافقات مقامات مسئول به این وعده‌ها عمل نکرده و بیشترین حجم استخدام را به نیروهای خودی‌هایشان اختصاص دادند. از سوی دیگر استاندارد پایین کار معدن و تأثیرات مخرب محیط زیستی آن، بویژه آلودگی آب آشامیدنی آنها به مواد معدنی خود یک موضوع اعتراض مردم این منطقه است. شش کارگر بازداشتی معدن آق‌دره باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. پرونده‌های امنیتی تشکیل شده برای کارگران بازداشتی و کارگرانی که با قید وثیقه موقتاً آزاد شده‌اند، باید بسته شود.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی در ایران

۱۷ شهریور، ۸ سپتامبر ۲۰۲۳

بنا بر اخبار منتشر شده ۶ تن از کارگران بازداشت شده معدن آق‌دره از توابع شهرستان تکاب در استان آذربایجان غربی که در جریان اعتراضات کارگران این معدن بازداشت شده بودند، همچنان در زندان ارومیه بسر می‌برند. این کارگران در دو معدن طلا و سنگ واقع در روستای آق‌دره شاغل بودند و اتهامات آنها "اخلال در نظم عمومی"، "اقدام علیه امنیت داخلی کشور" و (آدم‌ربایی) عنوان شده است. در جریان این اعتراضات ۲۶ کارگر بازداشت شده بودند که بیست نفر آنها با قید وثیقه آزاد شده‌اند. ماجرا از این قرار است که تجمع روز یکشنبه هشتم مردادماه کارگران بیکار شده معدن تراورتن آق‌دره و مردم این روستا با حمله وحشیانه نیروهای انتظامی روبرو شد. این اعتراضات بدنال اخراج تعدادی از کارگران فصلی این معدن به بهانه عدم فعالیت در زمستان آغاز شد. این درحالیست که در بدو شروع کار معدن وعده

لیست پیشنهادی کتبه‌سازنده برای شادری بنده مناسبت ۲۵ شهریور سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی

هر شب ساعت ۹

زین زندگی آزادی، زن ژبان نازادی	مرگ بر خامنه‌ای، مرگ بر دیکتاتور	فقر فساد گرونی میریم تا سرنگونی
این همه سال جنایت مرگ بر این ولایت	از کردستان تا تهران، اتحاد اتحاد	ما همه اهل جنگیم، بجنگ تا بچنگیم
بترسید بترسید ما همه با هم هستیم	حکومت ضدزن نابود باید گردد	حکومت زن ستیز نابود باید گردد
حکومت کودک کش نابود باید گردد	جمهوری اسلامی نابود باید گردد	مرگ بر حکومت اسلامی
حکومت اعدامی نابود باید گردد	انقلاب، اعتراض، اعتصاب، اتحاد	یاشاسین کردستان، بژی آذربایجان
زندانی سیاسی آزادی باید گردد	سپاهی بسیجی نیروی انتظامی داعش ما شمایی	کرد، بلوچ، آذری، آزادی برابری



شش کارگر قربانی انفجار در معدن رزمجاه طزره شدند.

روز گذشته ۱۲ شهریور در اثر انفجار در معدن رزمجاه طزره دامغان، معدنی به عمق ۷۰۰ متری، متأسفانه شش تن از کارگران جان باختند. اسامی کارگران جان باخته امروز اعلام شد که عبارتند از بهروز افروز، قربانعلی کمال، حسین غزائیان، حمید ایزدی، ابوالفضل غنایی، و محمد نعیمی صفت. حزب کمونیست کارگری جان باختن این کارگران را به خانواده ها و دوستانشان تسلیت میگوید.

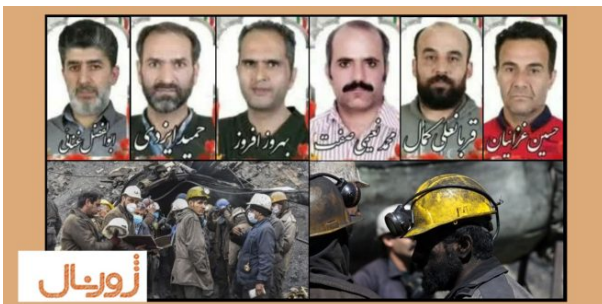
معدن طزره یکی از معادن مرگبار است. از جمله در آبان ۹۷ یک کارگر و در اردیبهشت ۱۴۰۰ دو کارگر در اثر ناامنی این معدن جان باختند. با چنین پیشینه ای از جنایت و قتل در این معدن است که بعد از این فاجعه صولت مرتضوی وزیر کار سراسیمه به منطقه سفر کرد با این ژست که علت این انفجار را بررسی کنند. محمد جعفر عبداللهی رئیس کل دادگستر استان سمنان فوراً از توقف فعالیت های معدن طزره خیر داد.

در ایران قربانی شدن کارگران در محیطهای کار و بوئژه در معادن یک امر روزمره است. هر روز شماری از کارگران قربانی محیطهای نا امن کار میشوند و در بیشتر موارد حتی اسامی آنها نیز اعلام نمی شود.

معدن رزمجاه طزره یکی از صدها معدنی است که خارج از استانداردهای پذیرفته شده کار میکند و به دلیل نداشتن امکانات ایمنی پیش گیری و هشدار دهنده، بارها دچار انفجار شده و شماری از کارگران را قربانی کرده است.

عامل قتل این کارگران صاحبان معدن و سرمایه داران حریص و مفتخوری هستند که از خون کارگران تغذیه میکنند و حکومت اسلامی که دست اندرکارانش در این چپاول و جنایت سهمند نه فقط اقدامی در جهت جلوگیری از این قتلها هر روزه انجام نمی دهد، بلکه با سرکوب تشکلهای مستقل کارگری و جلوگیری از نظارت این تشکلهای بر محیطهای کار مانع تلاش متشکل کارگران برای جلوگیری از حوادث محیط کار و جنایات سرمایه داران میشود. حکومت اسلامی در قتل هر روزه کارگران در محیطهای برده وار کار سهیم و شریک است.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۳ شهریور ۱۴۰۲، ۴ اوت ۲۰۲۳



قاتلان جانباختگان معدن طزره را می شناسیم

شهلا دانشفر

روز ۱۲ شهریور در اثر انفجار در معدن رزمجاه طزره دامغان، شش کارگر به اسامی بهروز افروز، قربانعلی کمال، حسین غزائیان، حمید ایزدی، ابوالفضل غنایی، و محمد نعیمی صفت جان خود را از دست دادند. جانباختن این کارگران را تسلیت میگویم.

انفجار در عمق ۴۰۰ متری تونل ۷۰۰ متری معدن طزره رخ داد و پیکر جانباختگان پس از ساعتها از اعماق معدن بیرون کشیده شد. علت انفجار تجمع گاز در معدن بود. این در حالیست که با نصب دستگاه اندازه گیری فشار گاز و بازرسی منظم از ایمنی معدن، میتوان مانع چنین فجایعی. اما سرمایه داران حریص حاضر به قبول هزینه ای نیستند. قابل توجه است که حدود ۲۵ درصد ذغال سنگ ایران از معادن طزره استخراج میشود.

مرگ در معادن بالاترین رقم قربانیان محیطهای کار را دارد و معدن رزمجاه طزره یکی از همین صدها معدن مرگبار است. از جمله در آبان ۹۷ یک کارگر و اردیبهشت ۱۴۰۰ دو کارگر در این معدن جان باختند. و این داستان جنایتی هر روزه در محیطهای کار است. سازمان پزشکی قانونی ایران نیز از مرگ ۱۹۰۰ کارگر بر اثر

حوادث کاری در سال ۱۴۰۱ خبر میدهد. یعنی روزانه ۵ کارگر قربانی سودجویی سرمایه داران شده اند. قتلی سیستماتیک در معادن و در محیطهای کار که هر روزه در جریان است.

معدن طزره هزار کارگر دارد و مرگ این شش کارگر در معدن فضایی از خشم و نفرت ایجاد کرده است. این فاجعه همچنین در مدیای اجتماعی و میان کارگران واکنشهای اعتراضی بسیاری داشته است. بعلاوه مردم منطقه که نان آورانیشان در معادن طزره کار میکنند دچار شوک و نگرانی شده اند و مقامات حکومت هراسان از اعتراض کارگران به تقلا افتاده اند. صولت مرتضوی وزیر کار با پز بررسی علت انفجار فوراً به منطقه رفت و عبداللهی رئیس کل دادگستری سمنان از توقف فعالیتهای معدن طزره خیر داد.

کارگران معادن بارها به شرایط بیحقوقی و عدم ایمنی محیط کارشان اعتراض کرده اند. اما با اخراج و سرکوب پاسخ گرفته اند. جمهوری اسلامی و سرانش همدست و سهیم چپاولگریهای سرمایه دارانند و عامل مستقیم این جنایت سیستماتیک هستند.

در یک کلام عامل قتل کارگران معدن طزره جمهوری اسلامی و سرمایه داران حریصی هستند که در پناه دولت سودهای کلان برده و حاضر به پرداخت کمترین هزینه برای ایمنی جان کارگران نیستند. با اعتراضات سراسری و تبدیل گرامیداشت یاد جانباختگان معدن طزره به محملی برای اعتراض، جلوی تکرار چنین جنایاتی را بگیریم. بساط جهنمی جمهوری اسلامی را از همه جا جارو کنیم.

مندرج در ژورنال شماره ۵۱۷

ماهواره یاهو ست	ماهواره یونلست	KANAL JADID کانال جدید
فرکانس، ۱۱۷۶۶	فرکانس، ۱۱۳۸۷	پخش زنده آنلاین:
پولاریزاسیون، عمودی	پولاریزاسیون، عمودی	پخش زنده
سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰	سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰	newchannel.tv/live/tv
اف ای سی، ۷/۸	اف ای سی، ۵/۶	فرکانس های
www.newchannel.tv	www.newchannel.tv	تلویزیون کانال جدید
nctv.tamas@gmail.com	nctv.tamas@gmail.com	در ماهواره های:

سطح مبارزه را گسترده تر و عمیقتر کنیم - پویان پیروز

قتل «ژینا امینی» سه روز پس از بازداشت، در روز ۲۵ شهریور سال گذشته، جنایتی بود که به سرریز شدن خشم مردم از کلیت حکومت منجر شد و شعله های آن به سرعت در سراسر کشور زبانه کشید.

این خشم فروخته و تلنبار شده، به خیزشی انقلاب گونه بدل گشت که در تاریخ مبارزات اجتماعی و سیاسی ایران بی نظیر بود و چهره ای دیگر از اعتراضات در دهه های اخیر را به نمایش گذاشت که با برافراشتن پرچم * زن زندگی آزادی * مضمونی مدرن و مختصات و خصلت هایی رادیکال، انسانی و برابری طلبانه پیدا کرد.

عناصر فعال و موتور محرک این انقلاب کارگران، معلمان، بازنشستگان و توده های به ستوه آمده از دهه ها استبداد، فشارهای بی پایان و کمرشکن اقتصادی، فقر و بی تاملی بودند که برای پایان دادن به شرایط غیر انسانی موجود و نجات خویش به مصاف این مناسبات آمدند.

در مقابل حکومت برای مهار انقلاب و آنچه که خود آن را پایان و جمع کردن غائله می خواند از همه ظرفیت هایی که در اختیار داشت از جمله از سرکوب عریان و کشتار و اعدام معترضان، کمک گرفت تا راه نجات موقتی برای خود بیابد.

در ادامه تلاش ها برای حفظ پایه های سست و لرزان حکومت، همزمان و زیر سایه سرکوب، شاهد اعمال انواع روش ها برای انتقام گیری از جامعه هم بودیم.

مسمومیت سازی های عمدی و سرپالی دختران دانش آموز، قطع کردن و یا کند کردن اینترنت، اعمال خشونت و نیز در نظر گرفتن جریمه های مالی برای زنانی که حجاب از سر بر میدارند، اخراج اساتید دانشگاه ها و کشاندن دانشجویان به کمیته های انضباطی و صدور احکام سنگین برای آنها، انتقال، جابجایی و اعمال فشار بر زندانیان سیاسی و قطع تماس های تلفنی آنها، بیکار سازی و محرومیت از کار هنرمندانی که با مردم و انقلاب مردمی همراهی کردند، احضار و بازداشت فعالان مدنی و ده ها نمونه دیگر، همگی از این دست اقدامات هستند.

اما نمونه های اخیر و شدت یافته بکارگیری استراتژی مهار انقلاب و خفه کردن صدای مخالفان را می توان در موج تازه پرونده سازی ها و اخراج معلمان، اساتید دانشگاهی و کارگران معترض دید.

این اقدام بالاخص پس از انتشار منشور دوازده ماده ای برنامه حداقلی تشکل های صنفی و مدنی برای ادامه اعتراضات و به سرانجام رسیدن خیزش انقلابی مردم شدت گرفت.

حکومت با درک نقش و جایگاه طبقاتی کارگران و معلمان در جنبش سرنگونی که خطوط اصلی آن و محتوا و مختصات تعیین یافته آن چپ و رادیکال است، به شدت به وحشت افتاده و می کوشد تا از هر راهی جلوی تداوم و استمرار آن را خصوصا در شرایط فعلی که به سالروز قتل *ژینا* نزدیک می شویم بگیرد و به خیال خویش، خیزش مردمی را از ظرفیت و محتوای انقلابی خود تهی کرده و حداکثر آن را در حد و مرز یک اعتراض نگاه دارد و متوقف سازد.

در همین راستا، در روزها و ماههای گذشته با موج جدیدی از پرونده سازی ها و صدور احکام فله ای بازنشستگی پیش از موعد، اخراج و انفصال از خدمت معلمان روبرو هستیم. تیرماه امسال نیز، بیش از ۱۰۰ نفر از پزشکان شهرهای مختلف بازنشستگی اجباری یا اخراج از هیئت بورد مواجه شده اند. بیشتر این پزشکان در جریان اعتراضات سال گذشته بیانیه داده بودند و از انقلاب مردم حمایت کرده بودند. از سوی دیگر، ایجاد فضای امنیتی و پادگانی در دانشگاه ها، صدور احکام تعلیق، تبعید و محرومیت از تحصیل برای دانشجویان معترض و اخراج اساتید به جرم حمایت از دانشجویان و مردم انقلابی هم تشدید شده است.

با آغاز خیزش انقلابی زن، زندگی آزادی، کارگران بسیاری نیز از کار اخراج شدند.

اولین اخراج ها مربوط به کارگران معترض پروژه ای نفت بود که در میانه ماه مهر سال گذشته در عسلویه و کنگان و در اعتراض به کشتار معترضان در خیابان و در حمایت از قیام مردمی دست به اعتصاب و متعاقبا با سر دادن شعارهای مرگ بر دیکتاتور جاده ترانزیت کنگان به عسلویه را مسدود کردند.

این اقدام کارگران با سرکوب شدید نیروهای امنیتی مواجه شد و صدها کارگر معترض، در پی هجوم شبانه نهادهای سرکوب به خوابگاه هایشان، بازداشت و روانه زندان شدند. علیرغم این که کارگران بازداشتی بعدها با گرفتن وثیقه و یا پرداخت جریمه های نقدی آزاد شدند اما ده ها نفر از آنها همچنان از کار اخراج بوده و برابر تصمیم و دستور نهادهای امنیتی هیچ پروژه ای در پالایشگاهها و پتروشیمی های منطقه حق استخدام این کارگران را ندارد.

اعتصاب این دسته از کارگران در عسلویه، به سرعت به کارگران پروژه ای در پالایشگاه آبادان هم رسید که البته به مانند اعتصاب در عسلویه با سرکوب و بگیر و ببند روبرو گشت.

در هفته های بعد نیز اعتصابات موقت اما سرپالی کارگران پالایشگاه نفت تهران، ذوب آهن اصفهان و هفت شرکت تولیدی مرتبط با صنعت خودرو می رفت تا حرکتی باشد برای این که کل جنبش کارگری در کشور را به سمت آغاز اعتصابات سیاسی سوق دهد اما فقدان سازماندهی موثر و سرکوب مانع اصلی این مسیر شد.

حکومت اما این موج از اعتصابات که با شعارهای تند و تیز علیه کلیت نظام همراه بود را به مطالبات مزدی تقلیل داد.

یک ترفند همیشگی حاکمیت، دوگانه سازی اعتراضات مزدی، معیشتی، صنفی با اعتراضات سیاسی و ایجاد فاصله و تفاوت گذاری بین آنها بوده است.

این ترفند تاکتیکی، در حقیقت تلاش و دامی است برای این که نیروی جمعی و اعتراضی کارگران را از خیابان به مذاکره و چانه زنی بر سر مطالبات و برگزاری جلسات متعدد اما بی نتیجه بکشاند و آن را مستهلک و فرسایشی کند و در نتیجه با به انزوا کشاندن آنها، راه هموار تری برای سرکوب اعتراضات جدا افتاده و مجزا پیش رو داشته باشد. اکنون و در آستانه سالروز آغاز قیام، نظام اسلامی با بکارگیری شیوه های مختلف درصدد خنثی سازی همه امکان ها و نیروهایی است که می توانند مبارزه و قیام را تداوم و استمرار بخشند.

اما مردم سودایی جز به زیر کشاندن حکومت با همه ارکانش را در سر ندارند و در اندیشه رهایی از شر حکومت فاسد اسلامی هستند. سالگرد انقلاب نیز فقط یکروز نیست. بلکه همه شواهد حاکی از اینست که با شروع دور جدید و قدرتمندتری از انقلاب روبرویم. از جمله آغاز سال تحصیلی در مدارس و دانشگاهها نزدیک است. وحشت کنونی حکومت امکان پیوند خوردن مبارزات معلمان، دانشجویان و دانش آموزان با جنبش اعتراضی بازنشستگان و کارگران است. در مقطع حساس و تحول سازی قرار داریم و می بایست سطح مبارزه را گسترده تر، عمیق تر و سازمانیافته تر کرد.

گام مهم و موثر در این راه ایجاد و تشکیل شوراهای کارگری و تشکل های مستقل ما کارگران است. در برابر سیاست های کثیف حکومتی که در زیر پا گذاشتن حقوق اولیه و انسانی افراد جامعه و استثمار کارگران هیچ حد و مرزی را نمی شناسد راهی جز مبارزه متشکل و سازمان یافته نداریم. همزمان لازم است تا نسبت به همه حربه ها و ترفندهای حکومتی در به بیراهه کشاندن اعتراضات و به هدر دادن نیروی جمعی مان هوشیار و آگاه باشیم. در پراکندگی و مبارزه بدون اتحاد و همبستگی طبقاتی، راه پیش روی مان سخت و دشوار خواهد بود. منشور خواستهای حداقلی ما است که در دوازده بند نوشته شده است. منشور اتحاد مردمی که به مبارزات ما و انقلاب زن زندگی آزادی روشنایی می بخشد. حول این منشور متحد شویم و خواستهای اعلام شده آنها را به پلانفرم مبارزاتی خود برای



گفت و صدای اعتراض را بلند کرد و جمعیت با کف زدن حرفهای او را مورد تایید قرار داد. دیگر شعارهای بازنشستگان در تجمعات این روز عبارت بودند از: "حقوق بازنشسته، زیر عبای ملا است"، "گرانی تورم، بلای جان مردم"، "همسان سازی حق ماست/ حق مسلم ماست"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "مسئول بی کایت استعفا

استعفا"، "بازنشسته پیا خیر برای رفع تبعیض"، "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "اجرای همسان سازی حق مسلم ماست"، "وزیر بی کفایت استعفا استعفا"، "معیشت، منزلت، حق مسلم ماست"، "بازنشسته بیدار است از تبعیض بیزار است"، یک محور مهم شعارهای اعتراضی بازنشستگان تاکید بر اتحاد سراسری مردم و بویژه ۲۵ میلیون بازنشسته و کارگران شاغل و بازنشسته و همه مردم به جان آمده از فقر و بی تامینی است. و این خود را در شعارهای "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد"، "لشکری، کشوری فولادی تامین اجتماعی اتحاد اتحاد" و شعار "درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید بازتاب میدهد. حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت از مبارزات بازنشستگان بر تکثیر این شعارها و اتحاد سراسری همه بازنشستگان، کارگران شاغل و بازنشسته و حمایت و همبستگی مردمی از مبارزات بازنشستگان تاکید دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۴ شهریور ۱۴۰۲، ۵ سپتامبر ۲۰۲۳

تجمعات اعتراضی با شکوه معلمان بازنشسته

درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید

روز ۱۴ شهریور بازنشستگان کشوری در سیزدهمین هفته از سه شنبه های اعتراض مقابل صندوقهای بازنشستگی در شهرهای مختلف تجمع کرده پیگیر مطالباتشان شدند. بخش بزرگی از بازنشستگان کشور معلمان هستند و نقش پیشتازی در این تجمعات دارند. اعتراض بازنشستگان کشوری به خلف وعده ها و به فقر و گرانی و برای افزایش حقوقها و پرداخت مطالبات معوقه، تسویه حساب بازنشستگان جدید، تامین بیمه درمانی و دارویی و آزادی معلمان زندانی است. درمان رایگان یک خواست فوری بازنشستگان است.

در این روز بازنشستگان کشوری در شهرهای اهواز، سنندج، کرمانشاه، تبریز، کرج، رشت، قزوین، تهران، همدان و پلدختر تجمع کردند. در سنندج معلمان بازنشسته با فریاد "گرانی، تورم، بلای جان مردم" مردم را با شعار "درد ما درد شماست، مردم به ما ملحق شوید" کل جامعه را به اعتراض علیه فقر و گرانی فراخواندند. در کرمانشاه یکی از معلمان به اسم اسماعیلی رییس انجمن صنفی شاغل و بازنشسته اسلام آباد در حمایت از معلمان زندانی صحبت کرد و گفت جرم آنها چیست. آنها حرف ما کارگران را اعلام کرده اند. به وضعیت جعفر ابراهیمی که وضع جسمانی اش وخیم است اشاره کرد. او از وضع بد معیشتی معلمان و عدم پاسخگویی مقامات حکومتی گفت و سخنان وی با کف زدن مکرر جمعیت و با شعارهای "جعفر ابراهیمی آزاد باید گردد"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" همراهی شد. در این تجمع همچنین یکی از معلمان زن بازنشسته از دردها و تبعیض ها سخن

سالگرد قتل مهسا امینی اسم رمز انقلاب، یاد آور جمعه خونین سیستان و بلوچستان است.

سالگرد قتل مهسا امینی اسم رمز انقلاب، یاد آور جمعه خونین سیستان و بلوچستان است. قتل حکومتی مهسا "ژینا" امینی با موجی از اعتراضات در شهرهای مختلف همراه شد و فریاد هایی علیه تبعیض، ظلم و فقر مطلق در سیستان و بلوچستان به رنگ خونین جمعه سیاه زاهدان در آمد.

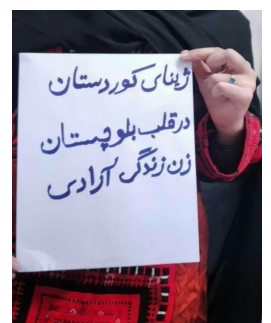
سرکوب اعتراضات مردم بلوچستان آن چنان بیرحمانه و شنیع بود که منجر به کشته شدن بسیاری از مردم حتی کودکان و نوجوانان شد و بی خانمانی خانواده هایی را به همراه داشت که عزیزان و نان آوران شان وحشیانه در تیر رس گلوله های جنایتکاران حکومتی قرار گرفتند.

خشم مردم سیستان و بلوچستان، خشم مردم زاهدان تا آنجا شعله ور شد که ماهها هر هفته جمعه شاهد جمعیت وسیعی از مردم هستیم که به دادخواهی کشته شدگان جمعه خونین به کف خیابان آمدند و فریاد کشیدند "قسم به خون یاران ایستاده ایم تا پایان" و صدای انقلاب "زن زندگی آزادی" را در خیابانها فریاد کشیدند.

پاسخ ما دادخواهان به همه ترندهایی که تلاش می کند صدای دادخواهی مردم

سیستان و بلوچستان را در گلو خفه سازد، همان است که همه دادخواهان در چند هفته اخیر در برابر سرکوب گسترده خانواده های دادخواه گفته شد

بین ما با تن بی جان جگرگوشه هایمان بر دوش و شما با زندانها و شلاقها و تهدیدهایتان، تنها



یک جمله باقی است: قسم به خون یاران؛ ایستاده ایم تا پایان

ما به کمتر از محاکمه همه آمرین و عاملین کشتار عزیزانمان رضایت نخواهیم داد و همانطور که در کف خیابان فریاد زدیم: از کردستان تا تهران اتحاد اتحاد

اینک نیز پاسخ متحدانه ما به سرکوبگران جنایتکار تنها "نه می باشد.

در سالگرد انقلاب یاد جانباختگان

جمعه سیاه و خدانور و خدا نورها را گرامی می داریم. یاد سوختن جانباخته ای که به جای نان گلوله نصیبشان شد و یاد همه جانباختگان انقلاب را گرامی می داریم. همراه با دیگر خانواده های دادخواه و همه مردم در تمام شهرها به مبارزه بی امان خود ادامه می دهیم و فریاد می زنیم: نه میبخشیم نه فراموش میکنیم #سالگرد_مهسا_امینی #زن_زندگی_آزادی #جمعه_خونین (برگرفته از مدیای اجتماعی)



سطح مبارزه را گسترده تر و ...

از صفحه ۱۴

پیشروی بیشتر انقلاب تبدیل کنیم.

گرچه همه مبارزات و قیامهای انقلابی در دنیا به شکل خودجوش آغاز می شوند، اما هیچ انقلاب و مبارزه ای بدون سازمان یافتگی و بدون تشکیلات سیاسی انقلابی امکان به پیروزی رسیدن را نخواهد داشت. یک فراخوان مهم در این راستا پیوستن به حزب کمونیست کارگری است. راه به زیر کشیدن حکومت فاسد اسلامی همین است و پس.



این فعال صنفی پرونده قضایی گشوده است.

شش تن از کارگران بازداشت شده در جریان اعتراضات کارگران معدن آق‌دره از توابع شهرستان تکاب در استان آذربایجان غربی از اواسط مرداد سال جاری بطور بلا تکلیف در زندان مرکزی ارومیه بسر می‌برند. کارگران بازداشتی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

پنجشنبه ۱۶ شهریور ماه ۱۴۰۲

- دادگاه بدوی ابوالفضل خوران معلم معترض در اراک را به ۶ سال و ۸ ماه زندان تعزیری، ۷۲ ضربه شلاق، دو سال محرومیت از فضای مجازی و دوسال تبعید به شهر دلفان محکوم کرده است. معلمان کارزاری با صد هزار امضا برای آزادی معلمان زندانی و بسته شدن پرونده های امنیتی و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات به راه انداخته اند. از این کارزار باید وسیع حمایت کرد.

- یک کارگر ساختمانی ۴۴ ساله در مشهد هنگام جوشکاری از چاه آسانسور سقوط کرده و جانش را از دست داد. محیط های کار به خاطر سودجویی ها سرمایه داران مفتخور و دولت حامی آن به قتلگاه کارگران تبدیل شده است.

- در تهران بر اثر رها شدن یک‌باره مصالح از قلاب جرثقیل و سقوط آن بر روی کارگری در یک ساختمان در حال ساخت موجب مرگ این کارگر شد.

روز شنبه ۱۸ شهریور ۱۴۰۲

در پی انفجار زباله سوز مجتمع آرادکوه به علت فرسودگی دستگاه ها، چهار کارگر دچار مصدومیت شدند. از میان این کارگران، دو تن جان خود را از دست دادند و دو کارگر دیگر به بیمارستان منتقل شدند.

- یک کارگر در اشتهارد حین انجام کار در یکی از کارخانه های شهرک صنعتی این شهر دچار برق گرفتگی شد و قبل از رسیدن به بیمارستان فوت کرد.

- کامران ساختمانگر فعال کارگری و زندانی سیاسی سابق با انتشار پستی در اینستاگرامش از احضار مجدد خود به دادگاه خبر داد. پرونده امنیتی تشکیل شده برای کامران ساختمانگر بسته شود.

روز یکشنبه ۱۹ شهریور ۱۴۰۲

- در فاصله یک هفته از "محکومیت ۶ سال و ۸ ماه حبس تعزیری، ۷۲ ضربه شلاق، ۲ سال محرومیت از فضای مجازی، ۲ سال تبعید به شهر دلفان" بار دیگر ابوالفضل خوران فعال صنفی معلمان، روز ۱۳ شهریور ۱۴۰۲ به اتهام تبلیغ علیه نظام به شعبه ۶ بازپرسی دادسرای عمومی اراک احضار شده است.

- بازنشستگان تأمین اجتماعی شهرهای کرمانشاه، دزفول، شوشتر و رشت در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان مجدداً تجمع برپا کردند. بازنشستگان با شعار "فقط کف خیابان بدست میاد حقمون" بر تداوم مبارزاتشان تأکید دارند.

کارگران در هفته ای که گذشت

تهیه کننده سهیلا رضوانی

روز دوشنبه ۱۳ شهریور ۱۴۰۲

- پیکر کارگران محبوس در معدن ذغال سنگ طزره از تونل خارج شد. اسامی کارگران جانباخته در انفجار معدن طزره عبارتند از: بهروز افروز، قربانعلی کمال، حسین عزائیان، حمید ایزدی، ابوالفضل غنایی و محمد نعیمی صفت است. گفته می‌شود عمق تونلی که انفجار در آن رخ داده ۷۰۰ متر است و حادثه در عمق ۴۰۰ متری آن رخ داده است. جانباختن این عزیزان را به خانواده هایشان و به همگان تسلیت می‌گوییم. جمهوری اسلامی و سرمایه داران مفتخور عامل جنایت و قتل در محیط های کار هستند.

- بازنشستگان شرکت مخابرات دستکم در ۱۷ استان در اعتراض به فقر و بی‌تامینی و برای پیگیری خواسته‌هایشان تجمع کردند. این تجمعات در استان‌های خوزستان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، اصفهان، مرکزی، خراسان رضوی، گلستان، گیلان، تهران، اردبیل، فارس، هرمزگان، آذربایجان شرقی، کردستان، زنجان، سیستان و بلوچستان و لرستان مطابق دوشنبه های اعتراضی بازنشستگان مخابرات برگزار شد.

روز سه شنبه ۱۴ شهریور ۱۴۰۲

- بنا بر خبر منتشر شده کاووس پهماسبی فورمن داریست و از نیروهای با سابقه در پروژه‌های صنعت نفت از کارگران پروژه‌های شاغل در پتروشیمی بوشهر در حین کار و بعثت ریزش متریال از بالای سر و سقوط به پائین جانش را از دست داده است. یک خواست کارگران نفت ایمن شدن فوری محیط های کار است.

- به موجب حکم دادگاه انقلاب شهر سقز سلیمان عبدی، از معلمان معترض این شهرستان و عضو انجمن صنفی معلمان کردستان، به اتهام "تبلیغ علیه نظام" به ۸ ماه حبس تعزیری محکوم شدند.

- روز ۱۴ شهریور بازنشستگان کشوری در اعتراض به وضع بد معیشتی و پاسخ نگرفتن خواسته‌هایشان در شهرهای اهواز، یزد، سنندج، همدان، تبریز، کرمانشاه، قزوین، رشت، کرج، تهران و ساری مطابق با سه‌شنبه‌های اعتراضی مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی کشوری دست به تجمع زدند.

روز چهارشنبه ۱۵ شهریور ۱۴۰۲

با شکایت اداره کل زندان‌های استان تهران علیه جعفر ابراهیمی پرونده‌ای جدید با اتهامات ۱- اخلال در نظم و آسایش عمومی و ۲- توهین به مقامات و مامورین زندان در شعبه ۳ بازپرسی دادسرای اوین ثبت شده است. پرونده امنیتی تشکیل شده برای جعفر ابراهیمی و همه فعالین سیاسی باید فوراً مسدود شود.

- طی شکایت اداره کل زندان‌های استان تهران علیه کامیار فکور فعال کارگری زندانی پرونده‌ای جدید با اتهامات ۱- اخلال در نظم و آسایش عمومی و ۲- توهین به مقامات و مامورین زندان در شعبه ۳ بازپرسی دادسرای اوین ثبت شده است. پرونده امنیتی تشکیل شده برای کامیار فکور باید فوراً بسته شود.

- هیات تخلفات آموزش و پرورش خراسان شمالی طی حکمی عوض زاده از هیات موسسین انجمن صنفی معلمان خراسان رضوی را به بازنشستگی اجباری و کسر گروه محکوم کرد. پیش‌تر هم بازپرسی دادگاه انقلاب بجنورد با طرح اتهاماتی برای



زندان شکنجه اعدام، هوگز اثر ندارد
برای ۲۵ شهریور بسر را تهدید کردند، مادر به خیابان خواهد آمد



اتحادیه صنفی کارگری، آخرین نسخه شکست خورده نظام ضد کارگری و سرمایه

کارگران ارکان ثالث با اتکاء به تشکل خود و قدرت اتحادمان از این سیاستهای ترسیم شده و شکست خورده عبور کرده و اعلام کردیم که تنها راه رهایی ما برپایی اعتصابات قدرتمند، متحد و تشکل ماست.

در ادامه این کشاکش و در این برهه از تاریخ که جامعه مشت اعتراضات بر آسمان است و مشخصاً خواستار پایان بخشیدن به هرگونه اعمال قدرتی از بالا است و با زدن زیر همه قوانین ارتجاعی و سیاستهای ضد انسانی موجود به مبارزه ای آشکار و علنی برخاسته است، ما کارگران ارکان ثالث و غیر رسمی نفت نیز مطالبه گریم و دیگر حاضر به تن دادن به این شرایط برده وار کاری و معیشتی نیستیم. ما اعلام میکنیم که در کنار توده مردم ستمدیده و محروم جامعه با تکیه بر شوراها و تشکل های صنفی و مدنی خود، همچون شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث) با برپایی اعتصابات قدرتمند برای تحقق مطالبات فوری خود مصر هستیم. هم اکنون که همکاران ما در همه بخش های نفت مطالبه گر هستند، برجیده شدن بساط پیمانکاران یک خواست فوری ماست.

ما کارگران نفت، ما کارگران ارکان ثالث در کنار جامعه معترض ایستاده ایم و با آگاهی کامل از قدرت متحول کننده طبقه کارگر بویژه در حوزه های نفتی بر علیه همه آنچه که شرایط موجود را در اسلیمار کارگر مزدی و طبقات تحت ستم جامعه رقم زده است به میدان می آیم تا مهر پایانی بر این توحش و بربریت باشد.

#این جنبش سر-باز-ایستادن ندارد

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیر رسمی نفت (ارکان ثالث)
دوشنبه ۱۳ شهریور ماه ۱۴۰۲ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

پروژه تبدیل وضعیت استخدامی کارگران ارکان ثالث نفت، نقشه ای که طرح آن با هدف تبلیغات انتخاباتی نمایندگان مجلس در مقاطع زمانی مشخص برجسته می شود، در پیچ و خم قوانین ضد کارگری گیر کرد و آخرین ترندهای سیاسی و تبلیغاتی از بالای آنها با هوشیاری کارگران نفت مهر باطل خورد...!

پیش از تجمع تشریفاتی تحت عنوان تجمع یکهزار نفری مقابل ساختمان ریاست جمهوری که همراه با تدابیر امنیتی فراوان و رایزنی های پشت پرده بین دولت و عوامل سازشکارشان در "انجمن صنفی کارگران" تدارک دیده شده بود، شورای سازماندهی کارگران غیر رسمی نفت طی بیانیه ای تلاش کرد دست این نهادهای ضد کارگری سازشکار و زد و بندهای پشت پرده آنها را افشا کند. ما اعلام کردیم که وعده تبدیل وضعیت استخدامی کارگران ارکان ثالث نفت، در شرایط فعلی بدون شک ترفندی است برای کشاندن کارگر پای صندوق های رأی و مشروعیت بخشیدن به شرایط موجود، آنهم در دل جنبش انقلابی زن، زندگی آزادی.

کارگر آگاه و فهیم نفت، آشنا به همه این سیاستهای تکراری و از کار افتاده این ساختار ناکارآمد، با عدم حمایت از این نمایش، اثبات نمود که طبقه کارگر و توده مردم، از مقطع اینگونه سیاستهای پیش پا افتاده عبور نموده، در تحقق مطالبات خود مسیری جز زدن زیر همه قوانین و سیاستهای ارتجاعی و چپاولگرانه و تکراری و اتکاء به عمل متحد خود، در پیش نخواهد داشت!

عدم استقبال از نمایش مهندسی شده آنها شکستی برای مدیران نفتی و مسئولان بود که قصد داشتند با به کارگیری عوامل معلوم الحال فرصتی برای خود بخردند و با این ترفند ما کارگران را به عقب برانند تا شرایط امن و تاکنونی چپاول و غارت و زورگویی شان ادامه دار باشد. بدین ترتیب همزمان با تحركات مطالباتی جامعه، ما

از صفحه ۱۶

کارگران در هفته ای که گذشت...

-بازنشستگان صنعت فولاد اصفهان در اعتراض به تداوم مشکلات و عدم رسیدگی به شکایاتشان تجمع برگزار کردند.

- کیوان مهتدی فعال کارگری زندانی در پی انتشار فایلی صوتی در حمایت از جعفر ابراهیمی و کامیار فکور و دیگر زندانیان بند ۴ که به قزل حصار منتقل شده بودند، به دستور محمودی، رئیس بند ۴ زندان اوین و هدایت الله فرزادی رئیس این زندان، به صورت تبعیبه به انفرادی منتقل شده است. در اعتراض به این تبعید این زندانیان از گرفتن غذای زندان خودداری کرده و به ادامه بازداشت خود و تبعیدشان به زندان قزل حصار معترضند.

- دستگاه قضایی و وزارت اطلاعات در اقدامی هماهنگ علیه عاتکه رجبی، معلم معترض با پرونده سازی های جعلی علاوه بر تحمیل حکم حبس در تلاش هستند ایشان را اجباری در بیمارستان روانی بستری نمایند و تحت مداوای مدنظر خود قرار دهند. چند روز پیش دادگاه این معلم اخراجی در حالی برگزار شده بود که قاضی بدون ارسال ابلاغیه و دادن مهلت قانونی برای حضور در دادگاه تنها به تماس با وثیقه گذار بسنده کرده و در حالیکه فرصت مطالعه پرونده به خانم رجبی و وکیل ایشان داده نشده بود، جلسه دادگاهی را برگزار کرده بود و متعاقب آن بلافاصله حکم زندان را برای ایشان صادر کرد.

-آرش جوهری، فعال کارگری که دوران محکومیت خود را در زندان اوین سپری میکند از روز شنبه ۱۸ شهریور از امکان برقراری تماس تلفنی محروم شده است. آرش جوهری و همه زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند.

۱۹ شهریور: اعتراضات بازنشستگان نامین اجتماعی و فولاد

"کشوری! لشکری! تأمین اجتماعی! اتحاد!"

روز ۱۹ شهریور بازنشستگان نامین اجتماعی بنا بر قرار قبلی یکشنبه های اعتراض در سه شهر کرمانشاه، دزفول و شوشتر تجمع کردند و با فریاد شعارهایشان صدای اعتراض خود را به فقر و بی تأمین و بر زمین ماندن خواسته هایشان بلند کردند. اجرای همسان سازی و افزایش حقوقها به بالای خط فقر سی میلیونی، درمان رایگان، پایان دادن به اختلاسها و دزدی از جمله خواسته های فوری این بازنشستگان است.

بازنشستگان با خشم شعار میدادند: "حقوق نصفه نیمه، سکوت کنیم همین، نه مجلس نه دولت، نیستن به فکر ملت"، "حقوقتو داد بزن، افتاده دست راهزن"، "وزیر بی لیاقت نمیخوایم، نمیخوایم"، "بازنشسته داد بزن حق تو فریاد بزن"، "بازنشسته پیا خیز برای رفع تبعیض"، "بازنشسته میمیرد ذلت نمیپذیرد"، "دولت ورشکسته، دشمن بازنشسته"، "تأمین رو غارت کردن، ما رو بیچاره کردن"، "و معوقات مزدی پرداخت باید گردد". در این روز به روال هر هفته بازنشستگان فولاد در اصفهان نیز در اعتراض به وضعیت بد معیشتی و مطالبات معوقه خود در خیابان نشاط اصفهان تجمع کردند. درمان رایگان، همسان سازی حقوقها و افزایش سطح آنها، پرداخت معوقات سال ۱۴۰۰ از جمله خواسته های فوری آنهاست. یک شعار برجسته در اعتراضات بازنشستگان در این روز شعار "کشوری، لشکری، فولادی، تأمین اجتماعی اتحاد" اتحاد بود که هم در برهه ای که بازنشستگان در دست داشتند نوشته شده بود و هم در جایی مثل شوشتر بازنشستگان با فریاد این شعار بر اتحاد مبارزاتی ۲۵ میلیون بازنشسته تأکید کردند. حزب کمونیست کارگری از مبارزات بازنشستگان حمایت کرده و بر اتحاد مبارزاتی همه بخش های آنان و کارگران شاغل و بازنشسته تأکید میکند. حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۹ شهریور ۱۴۰۲، ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۳



انقلاب زن زندگی آزادی، روز مهسا (ژینا) تلاش میکند. در خارج کشور ما همراه با ایرانیان مقیم کشورهای مختلف در تدارکیم تا شهرهای مختلف جهان مراسم ها و تظاهرات هایی در گرامیداشت ۲۵ شهریور، ۱۶ سپتامبر، برپاکنیم. از همه ایرانیان ساکن شهرهای مختلف جهان دعوت میکنیم تا بهر شکل ممکن با ابتکارات مختلف و بویژه برپایی تظاهرات ها سالگرد انقلاب زن زندگی آزادی را گرامی بدارند و همراه با مردم انقلابی در داخل کشور عزم خود را برای تداوم مبارزه تا سرنگونی جمهوری اسلامی اعلام کنند.

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی، سرنگون باد جمهوری اسلامی

۲۵ شهریور، ۱۶ سپتامبر، روز مهسا (ژینا): روز طنین زن زندگی آزادی در خیابانهای جهان!

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران طی بیانیه ای به استیصال گرامیداشت سالگرد انقلاب و یاد مهسا امینی این نماد انقلاب زن زندگی آزادی رفته است. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "اکنون که سالگرد شروع این انقلاب نزدیک میشود مردم ایران چه در داخل و چه در خارج کشور در تدارک گرامیداشت هرچه باشکوهتر این روز و تداوم گسترده تر انقلاب خویش اند. این روزی است که از سقز و سنندج و تهران و شیراز و زاهدان گرفته تا لندن و پاریس و ونکوور و سیدنی شعار زن زندگی آزادی در خیابانها طنین خواهد انداخت. این روزی است که وحشت مرگ بر سر تاپای جمهوری اسلامی خواهد انداخت و به همه قدرت های جهان یادآور خواهد شد که مردم ایران عزم جزم کرده اند تا خود و جهان را از شر جمهوری اسلامی رها کنند.

حزب کمونیست کارگری با تمام قوا برای برگزاری هرچه باشکوهتر سالگرد

انقلاب زنانه: ما جمهوری اسلامی را در داخل و خارج سرنگون خواهیم کرد؛ پیش بسوی ۲۵ شهریور

جهان به ویژه دولت‌های اروپایی نپیوسته‌اید، حتما بیبوندید که این مهم، تنها با اتحاد و همستگی و تلاش هر چه بیشتر نیروهای اپوزیسیون امکان پذیر است. اگر روزی دولت‌های پای بایکوت حکومت آباتاید نژادی آفریقای جنوبی آمدند، ما هم میتوانیم آنها را وادار به بایکوت جمهوری اسلامی کنیم. ما از تمامی دولت‌های جهان می‌خواهیم که سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی را تعطیل و سفرا و جیره خواران این حکومت را اخراج کنند.

انقلاب زنانه-۳۰ مرداد ۱۴۰۲، ۲۱ اوت ۲۰۲۳

پیام یک جوان به مناسبت سالروز انقلاب

سیما امینی

من به عنوان یک جوان از جوانان، کارگران و همه مردم میخواهم که صدای خود را بلند کنند و در مقابل ظلم و ستم و نابرابری و تبعیض متحد شوند. شما آینده این کشور هستید و دارای قدرت زیادی هستید. از این قدرت به نفع خود و سایرین استفاده کنید. شما هستید که باید در قبال این نابرابری ها سر و صدایی بلند کنید و برای حقوق از دست رفته خود مبارزه کنید. تنها با همکاری و همدلی می‌توانیم این مسائل را ریشه کن کنیم و به یک جامعه عادلانه و برابر بدون تبعیض، ستم دست پیدا کنیم.

زنان! دختران! شما نیرویی قدرتمند هستید با شجاعت و اعتماد به نفس همیشگی خود به خیابان ها بیاید و برای حقوق خود مبارزه کنید. با مبارزه با نابرابری ها و ظلم ها، تبعیض ها، گامی مؤثر برداریم. بیایید به خیابان ها برویم، و ریشه استبداد دینی را برکنیم. اکنون زمان آن است که همه ما در کنار یکدیگر بایستیم و مبارزه کنیم. به خیابان برویم. صدای خود را بلند کنیم. به جهانیان نشان دهیم که امید در وجودمان زنده است. بیایید با هم به سوی آینده‌ای روشن حرکت کنیم.

به خیابان بیایید و به دنیا بگویید که ما حقوقمان را خواهیم خواست و هرگز اجازه نخواهیم داد کسی مارا دستکم بگیرد. بیایید با هم در انقلابی بزرگ، تغییری واقعی و عدالتمند را تحمیل کنیم. فقر، فساد و ستم، تبعیض، نابرابری را ریشه کن کرده و به زن زندگی آزادی که همه ما لایق آن هستیم، دست پیدا کنیم.

بیایید برای سالروز انقلاب آماده شویم. روز ۲۵ شهریور همه جا را تعطیل کنیم و خیابانها را بار دیگر به تسخیر خود درآوریم. زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی! (ارسالی به کارگر کمونیست)

نهاد انقلاب زنان طی بیانیه ای منتشر شده در مدیای اجتماعی تحت عنوان "ما جمهوری اسلامی را در داخل و خارج سرنگون خواهیم کرد؛ پیش بسوی ۲۵ شهریور" به استیصال سالروز انقلاب زن زندگی آزادی و گرامیداشت یاد مهسا امینی رفته است. در بخشی از این بیانیه چنین آمده است: "ما مبارزین و فعالین در انقلاب زنانه بر این باور استواریم که با تلاش سازمان یافته و سراسری، این انقلاب پیروز خواهد شد و برای به پیروزی رساندن آن از هیچ تلاشی دریغ نخواهیم کرد. ما ضمن اعلام همبستگی با تمامی خانواده‌های دادخواه، خواهان محاکمه خامنه‌ای و تمام سران نظام و آمرین و عاملین کشتار مردم هستیم و آزادی فوری و بی قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و بازداشت شدگان اعتراضات تاکید داریم. ما در آستانه سالگرد آغاز انقلاب تاریخی خود، تاکید داریم که قطع به یقین، انقلاب زن زندگی آزادی در حال ورود به دوره جدیدی از مبارزه علیه جمهوری اسلامی است و در این دوره، رمز غلبه قدرتمندانه تر ما بر رژیم جنایتکار اسلامی و عقب راندن و شکست هر چه بیشتر آن در مسیر سرنگونی، مبارزه جمعی و متشکل و سازمان یافته تر زنان، جوانان، دانشجویان، دانش آموزان، رنگین کمانها، آتیست ها، کارگران، معلمان، بازنشستگان و تمام فعالان انقلابی، برای اعتراضات گسترده تر خیابانی و اعتصابات سراسری و بوجود آوردن زمینه های اعتصاب عمومی است.

در همین راستا انقلاب زنانه به همه زنان و جوانان و نوجوانان، و جمع ها و گروه ها و تشکل های مبارز و انقلابی و همچنین تک تک انسانهایی که خواهان پیروزی انقلاب جاری اند، فراخوان میدهد که با برنامه ریزی و سازماندهی هرچه بیشتر برای روز ۲۵ شهریور به میدان عمل بیایید و در محلات و شهرها و دانشگاهها و مدارس و محیط کار، برای دور جدیدی از اعتراضات پرشور خیابانی خود را مجهز و آماده کنید.

انقلاب زنانه بر ضرورت نقش آفرینی هر چه بیشتر معلمان و کارگران و بازنشستگان که همواره در بازتولید فضای اعتراضی فعال بوده اند، برای پیروزی این انقلاب و سرنگونی جمهوری اسلامی تاکید دارد و فراخوان میدهد تا بیش از این به میدان آمده و همه با هم مسیر پیش رو را با قدرت هرچه بیشتری طی کنیم.

انقلاب زنانه بر تجمعات پرشور ایرانیان در خارج کشور با شعار "زن زندگی آزادی" که متحد کننده همه طیف ها و گرایشات سیاسی بوده است تاکید دارد، و همه فعالان خارج کشور و سازمانها و نهادها و تشکل ها و احزاب سیاسی دعوت میکند که اگر تا بحال به "کمپین بایکوت جمهوری اسلامی" و مطالبه آن رو به دولت‌های